



## فاصله صنعت هوایی تا «آسمان باز»



### برق آبی نصف شد

کارشناس توسعه انرژی خورشیدی را راه‌حل فوری افزایش تولید می‌داند؛ اما قیمت گذاری...

صفحه ۲

### فاصله علم و تولید

سال‌هاست که از اتباط دانشگاه و صنعت صحبت می‌شود، اما در عمل این رابطه تقویت نشده...

صفحه ۴

### تجارت؛ قربانی پیچیدگی قوانین

در سال‌های اخیر، تعدد و پیچیدگی قوانین و مقررات در حوزه تجارت خارجی به یکی از مهم‌ترین...

صفحه ۶

## فاصله صنعت هوایی تا «آسمان باز»

کریم حسن پور - آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی ایران به دلیل نواقص متعدد، هنوز به نتیجه مورد انتظار نرسیده است. در ایران فعلا فقط قدم اول آزادسازی این بازار در قالب «تفویض اختیار تعیین قیمت بلیت هواپیما به شرکت‌های هوایی» طی شده و تقریباً هیچ یک از دیگر اجزای بسته سیاستی که باید برای تبدیل این بازار به عرصه رقابت تمام‌عیار اجرا شود، در کانون توجه سیاستگذاران قرار نگرفته است.

این اجرای ناقص پروسه آزادسازی بازار، منهای اقدامات مکملی از قبیل پیش‌بینی سازوکار موثر حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، ارتقای شفافیت و رتبه‌بندی ایرلاین‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتراض مسافران در زمان‌های تغییرات ناگزیر قیمت بلیت هواپیما شده است. در این بین اجرای تدریجی سیاست «آسمان باز» نیز مغفول مانده است؛ سیاستی که می‌تواند به رقابتی شدن این بازار کمک کند و محرکی برای ارتقای کیفی و بهره‌وری ایرلاین‌های داخلی باشد؛ اما موانع مختلفی همچون فرسودگی ناوگان متعلق به ایرلاین‌های داخلی، پایین بودن بهره‌وری آنها در مقایسه با برخی ایرلاین‌های متعلق به کشورهای منطقه، نگرانی از خروج ارز از کشور و... سیاستگذاران را نسبت به اتخاذ این قبیل تصمیمات محتاط کرده است.

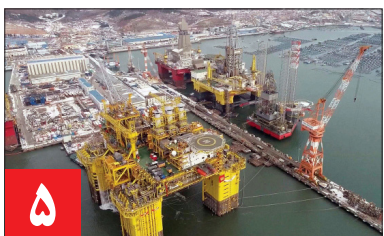
نامه هفته قبل سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به دنبال افزایش اخیر قیمت بلیت هواپیما، ایرلاین‌ها را در معرض خطر بازگشت به عقب در شیوه قیمت‌گذاری قیمت بلیت قرار داده است. محتوای این نامه که انجمن شرکت‌های هواپیمایی را خطاب قرار داده، حاوی تلاش برای سلب اختیار قیمت‌گذاری بلیت از سوی ایرلاین‌ها و گشایش مسیر جدید برای دولت دولتی در این پروسه است؛ گما اینکه به وضوح در آن عنوان شده: «... ضمن تأکید مجدد بر اعلام بازگشت قیمت‌ها به وضعیت قبلی، لطفاً مقرر فرمایید پیش از انجام هماهنگی لازم با دبیرخانه کارگروه تنظیم بازار، شرکت‌های هوایی از انجام هرگونه بهره‌رسانی و تغییر قیمت بلیت پروازهای داخلی خودداری کنند.» هرچند هر نوع مجوز جدیدی در اختیار دولت در پروسه قیمت‌گذاری بلیت هواپیما، یک بازگشت به عقب آشکار تلقی می‌شود و می‌تواند بر وضعیت بحرانی صنعت حمل‌ونقل هوایی بیفزاید و حتی برخی ایرلاین‌ها را در معرض خطر ورشکستگی قرار دهد، اما اینکه چرا در ایران، حتی با گذشت بیش از یکسال از شیوه جدید تعیین قیمت بلیت، هنوز این اختیار فعالان صنعت هوایی به رسمیت شناخته نمی‌شود جای تامل دارد.

برسی «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد بسته سیاستی که برای پیموند مسیر آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی پیش‌بینی شده، نواقص متعددی دارد که در این بین دو نقص را می‌توان برجسته‌تر تلقی کرد. در واقع پروسه آزادسازی بازار به شکل ناقص در بخش حمل‌ونقل هوایی پیاده شده و مادامی که دو شرط «لازم» و «کافی» برای تبدیل این بازار به عرصه رقابت سالم محقق نشود، خطر بازگشت به عقب در این صنعت برطرف نمی‌شود. مقصود از شرط اول «حذف کامل یارانه سوخت» بوده و شرط کافی نیز «پیش‌بینی مکانیسم‌های موثر حمایت از مصرف‌کنندگان» است. بدون این دو، پروسه آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی به سرانجام نخواهد رسید. «دنیای اقتصاد» برای درک بهتر اهمیت تحقق این دو شرط، تجربه هند در اجرای بسته سیاستی دولت‌زدایی از صنعت حمل‌ونقل هوایی را بررسی کرده است.

در روزهای اخیر انتقادهای تغییر قیمت بلیت هواپیما، از سوی برخی ذی‌نفعان به «چپ‌گرایی» تعبیر و مترادف دفاع از قیمت‌گذاری دستوری قلمداد شد. این در حالی است که نوک پیکان انتقادها، عمدتاً به غیبت رگولاتور در کل پروسه نظارت بر خدمات صنعت هوانوردی عمومی است. اسفند سال گذشته، رتبه‌بندی شرکت‌های هواپیمایی رسماً کلید خورد و قرار بود تا پایان تابستان امسال به سرانجام برسد. صرف‌نظر از اینکه درباره تأثیر این رتبه‌بندی بر شیوه تعیین قیمت بلیت هواپیما ابهاماتی وجود دارد، اصل این اقدام از این جهت که ابزاری برای شفافیت، تصمیم‌گیری مسافران بر اساس کیفیت خدمات و ایجاد



### عقب‌نشینی سه روزه بورس



### امپراتوری جدید انرژی در شرق



### برگزاری لیگ در شرایط جنگی منطقی نیست

به شرکت‌های هوایی واگذار شده است. این تفویض اختیار توام با کاهش فاصله قیمت سوخت جت با ارزش جهانی آن، اولین قدم جدی برای آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی ایران محسوب می‌شود و حتماً از راهی که پیموده شده، نباید بازگشت. اما نمی‌توان انتظار داشت موضوع استیفای حقوق مصرف‌کننده، به کلی به بازار واگذار شده و نظارتی بر آن اعمال نشود. «رتبه‌بندی» در واقع یکی از همین ابزارهای نظارتی است که در فاز گذار صنعت هوانوردی عمومی به بازار آزاد، به درستی در کانون توجه سازمان هوایی کشوری قرار گرفت، اما هنوز به نتیجه نرسیده و از هر نوع اظهار نظر شفاف و رسمی درباره پروسه طی شده و سرانجام آن نیز، پرهیز می‌شود.

بازتاب صدای اعتراض مسافران، به منزله همسویی با سیاست‌های اقتصاد دولتی و دفاع از قیمت‌گذاری دستوری نیست. مسافران از اینکه سیاست‌های حمایتی جایی در تغییر و تحولات بازار حمل‌ونقل هوایی ندارد و صرفاً قیمت‌ها بر اساس نرخ جدید ارز، به‌روز می‌شود، گلایه‌مند هستند؛ آن هم در شرایطی که مکانیسم‌های حمایت از مصرف‌کننده، یک رکن اصلی آزادسازی بازارها در کشورهای پیشرفته است.

#### الگوی هندی رقابت ایرلاین‌ها

در بسیاری از کشورهای در حال گذار به بازار آزاد، صنعت هوایی به عنوان شاخصی از رشد اقتصادی، توان مدیریتی و سطح ارتباطات بین‌المللی شناخته می‌شود. توسعه هوایی صرفاً به خرید هواپیماهای جدید یا افزایش تعداد پروازها مربوط نیست؛ بلکه نشان‌دهنده هماهنگی میان سطوح مختلف سیاستگذاری، بخش خصوصی، زیرساخت و فناوری است.

در این بین تجربه هند در صدور صنعت هوایی حاوی درس‌های مهمی برای ایران است؛ کشوری که تا دهه قبل با ناوگان فرسوده، شبکه محدود و انحصاری و سیاست‌های دست‌وپاگیر شناخته می‌شد، اما امروز به یکی از پویاترین بازارهای هوایی جهان تبدیل شده است. تجربه هند نشان می‌دهد اعتماد به بخش خصوصی توام با اصلاح ساختارها و ارتقای نظام حمایت از حقوق مصرف‌کننده، می‌تواند صنعت هوانوردی را از محدودیت‌ها برهانند و به صنعتی رقابتی و سودآور تبدیل کند.

در سال‌های پایانی دهه ۹۰ میلادی، پروازهای داخلی هند تقریباً به طور کامل در اختیار شرکت‌های دولتی همچون Indian Airlines و Air India بود. به بیان دیگر، دولت تقریباً تمام صنعت هوایی کشور را در اختیار داشت و نبود انگیزه رقابت، موجب شده بود کیفیت پایین خدمات در عین هزینه‌های بالا، به امری عادی در این صنعت تبدیل شود.

با آغاز اصلاحات اقتصادی در دهه ۲۰۰۰، دولت هند سیاست‌های دولت‌زدایی را کلید زد و به تدریج راه برای ورود بخش خصوصی به صنعت هوایی گشوده شد. یکی از اجزای مهم این سیاست‌ها نیز با عنوان «آسمان باز» از سال ۲۰۱۶ کلید خورد. این تصمیم نقطه عطفی در تاریخ صنعت هوایی هند بود که به شکل‌گیری شرکت‌های مدرن با بهره‌وری بالا انجامید.

شرکت‌های جدید در فضای رقابتی که با خروج تدریجی دولت از این بازار شکل گرفت، توانستند با کاهش هزینه‌های عملیاتی، استفاده از هواپیماهای هم‌مدل برای ساده‌سازی تعمیرات و تمرکز بر زمان‌بندی دقیق پروازها، اعتماد عمومی را به صنعت هوایی بازگردانند. اجرای مجموعه این سیاست‌ها سبب شد شرکت‌های خصوصی هندی نیز با کاهش هزینه‌های غیرضروری، استفاده از هواپیماهای هم‌مدل برای ساده‌سازی تعمیرات، و تمرکز بر زمان‌بندی دقیق پروازها بتوانند اعتماد عمومی را به سفر هوایی بازگردانند. هند با همین تغییر ساختار، در کمتر از ۲۰ سال به سومین بازار بزرگ هوایی جهان بدل شد.

#### مسیر طی شده تا بازار آزاد

از آنجا که هند یک کشور در حال گذار به اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد است، آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی هند در چند گام انجام شد. در گام اول دولت با درک حساسیت موضوع و برای جلوگیری از نوسان شدید، چارچوبی مبتنی بر الگوریتم‌های تعیین قیمت طراحی کرد. در این مدل، سازمان هوایی کشوری هند (DGCA) به همراه وزارت هوانوردی غیرنظامی، داده‌های مربوط به مسیر، سوخت، تقاضا، زمان پرواز و ظرفیت ناوگان را تحلیل می‌کردند تا محدوده منطقی قیمت بلیت آشکار شود. در این مدل خبری از تعیین دستوری قیمت بلیت نبود و انتخاب قیمت به ایرلاین‌ها سپرده شد. یعنی فضای رقابتی بین شرکت‌ها برقرار بود و آنها می‌توانستند.

رقابت سالم میان شرکت‌هاست، ارزشمند است. اما با گذشت بیش از هشت ماه از شروع این پروسه، موضوع به محاق رفته و خبری از ایفای نقش موثر دولت در رگولاتوری بازار حمل‌ونقل هوایی نیست.

#### قیاس مع‌الفارق

رتبه‌بندی ایرلاین‌ها در ایران، مخالفانی هم دارد. استناد مخالفان به وضعیت صنعت هوایی در کشورهای اروپایی و آمریکا است. کشورهایی که در آنها رتبه‌بندی از سوی سیاستگذار بخش رایج نیست و البته بازار هوانوردی عمومی کاملاً آزاد است. در آمریکا از ۱۹۸۷ و در اتحادیه اروپا از ۱۹۹۷ میلادی، بازار حمل‌ونقل هوایی کاملاً آزاد شد. در این کشورها نظام رتبه‌بندی رسمی از سوی دولت وجود ندارد، اما نهادهای تخصصی حمل‌ونقل، داده‌های عملکرد شرکت‌ها را منتشر می‌کنند و موسسات خصوصی از این داده‌ها برای رتبه‌بندی استفاده می‌کنند. وزارتخانه متولی حمل‌ونقل در این کشورها نیز، صرفاً بر ایمنی، رقابت منصفانه و شفافیت قیمت‌ها نظارت می‌کند، اما بر میزان یا سقف قیمت کنترلی اعمال نمی‌شود.

با این حال مقایسه بازار هوایی ایران با اروپا و آمریکا، نتیجه بروز یک خطای دید در تشخیص وضعیت فعلی این صنعت در کشور ماست. مخالفان رتبه‌بندی، ایران را با کشورهایی مقایسه می‌کنند که بازار هوایی آزاد دارند؛ در حالی که این مقایسه باید با کشورهایی صورت گیرد که در فاز گذار از مختصات اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد هستند. کشورهایی نظیر هند، برزیل، اندونزی و حتی چین، می‌توانند مبنای مقایسه قرار گیرند. در ایران خبری از بازار کاملاً آزاد در بخش حمل‌ونقل هوایی نیست.

مهم‌ترین دلیل در اثبات این گزاره نیز، پرداخت یارانه سنگین سوخت است. قیمت سوخت جت تا سال گذشته تقریباً رایگان (لیتری ۶۰۰ تومان) در اختیار ایرلاین‌ها قرار می‌گرفت و امسال با افزایشی که اعمال شده (با احتساب مالیات، حدود ۱۴ هزار تومان)، باز هم از یکسوم قیمت قوب خلیج فارس فراتر نمی‌رود. این در حالی است که در آمریکا و اتحادیه اروپا، سوخت جت با قیمت جهانی در اختیار ایرلاین‌ها قرار می‌گیرد و در این بین برخی معافیت‌های مالیاتی نیز برای تنظیم بازار و حمایت از هر دو سمت عرضه و تقاضای بازار اعمال می‌شود.

گام اول آزادسازی بازار حمل‌ونقل هوایی ایران نیز، تیرماه سال گذشته پیموده شده؛ وقتی که دیوان عدالت اداری با استناد به قانون برنامه پنجم توسعه، اختیار تعیین قیمت بلیت هواپیما را به ایرلاین‌ها تفویض و به نوعی دست دولت را از قیمت‌گذاری دستوری در این بازار کوتاه کرد. از آن زمان تاکنون، برخی از مسافران هفته‌ها در تلاش برای استرداد نوبت تغییر کرده که با توجه به نوسان مکرر قیمت ارز و تأثیر آن بر هزینه‌های مستقیم شرکت‌های هوایی، شاید چندان عجیب نباشد.

اما مساله این است که در خلال این تغییرات، اقدام موثری در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در این بازار صورت نگرفته، خبری از تنوع‌بخشی به سروس‌های عرضه شده برای پاسخ به انواع نیاز مسافران نیست، روال تأخیرها و باسئگویی ایرلاین‌ها نیز دستخوش تحول محسوسی نشده است. در یک نمونه ساده، به دنبال لغو پروازها در شرایط جنگ ۱۲ روزه، برخی از مسافران هفته‌ها در تلاش برای استرداد وجه بلیت خود بودند؛ فرایندی که در کشورهای اروپایی اغلب در کمتر از یک هفته به سرانجام می‌رسد. در واقع در بر همان پاشنه همیشگی چرخیده و در این بین فقط اختیار قیمت‌گذاری بلیت از دولت سلب و



**دستگاه‌های اجرایی و نهادهای دولتی باید در این زمینه پیشگام باشند. کاهش مصرف آب در فضای سبز و حذف چمن‌های غیرضروری یکی از گام‌های موثر در مدیریت منابع آبی شهر است.**

## روزنامه در اقتصاد

**دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵** • شماره ۸۸۷

www.marzeghtesad.ir

### ▼ نحوه فروش سهام بانک آینده - تصویب شد

به تازگی سومین جلسه هیات گزیر بانک آینده و هیاتمدیره صندوق ضمانت سپرده‌ها با موضوع نحوه فروش دارایی‌ها و سهام سهامداران بانک آینده برگزار شد.

محمدرضا فرزین‌سن، رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه حضور داشت و اعلام کرد که طبق قانون، هیات گزیر و صندوق ضمانت سپرده‌ها، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک آینده سابق را با دقت و سرعت تعیین تکلیف می‌کنند. بر اساس قانون برنامه هفتم و قانون بانک مرکزی، تمامی دارایی‌های غیرنقدشونده بانک آینده سابق از طریق صندوق ضمانت سپرده‌ها و شرکت مدیریت دارایی، پس از مرحله تعیین ارزشگذاری به فروش می‌رسد تا مطالبات ناشی از فعالیت‌های ناتراز بانک آینده سابق پرداخت شود. فرزین در مورد انتقال دارایی‌های نقدشونده، سپرده جاری و ذخیره قانونی بانک آینده سابق به بانک ملی ایران اعلام کرد طبق قانون صندوق ضمانت سپرده‌ها نقش اصلی در حمایت از بانک عامل در فرآیند گزیر را ایفا می‌کند تا از انتقال هرگونه ناترازی از بانک آینده سابق به بانک ملی ایران جلوگیری شود.

بر این اساس سازوکار اتخاذ شده در قبال بانک ناتراز و ناسالم آینده، سازوکار ادغام نیست زیرا در موضوع ادغام، باید بانک با تمام ناترازی‌های خود به بانک ملی منتقل می‌شد اما در سازوکار اتخاذ شده کنونی، به شیوه‌ای عمل می‌شود که معادل سپرده منتقل شده به بانک ملی، منابع و دارایی‌های نقد بانک آینده سابق به بانک ملی ایران انتقال داده خواهد شد. بانک آینده در سال‌های دهه نود، با مسائلی همچون عدم برگزاری مجامع و عدم شفافیت مالی، پرداخت مداوم تسهیلات به پروژه‌های زیرمجموعه و بازردهی پایین و همچنین عدم پاسخگویی سهامداران مواجه بوده است. به همین دلیل با ناترازی‌های مزمن و انباشت ریسک در ترازنامه مواجه بوده است. با این حال اولویت نخست صندوق ضمانت سپرده‌ها در فرآیند گزیر بانک آینده سابق استفاده از روش‌های متنوع برای فروش دارایی‌های تملک‌شده و نقد کردن دارایی‌ها است.

بر این اساس تمام دارایی‌های سمی و غیرقابل نقدشونده بانک آینده سابق نیز مطابق تجربه جهانی توسط شرکت مدیریت دارایی‌ها (AMC) که در قانون برنامه پیش‌بینی شده است تعیین تکلیف می‌شود. بر اساس اعلام بانک مرکزی، کلیه اشخاص حقوقی، به‌استثنای سهامداران عضو «هالک واحد» طبق فهرست اعلامی بانک مرکزی می‌توانند با مراجعه به یکی از شرکت‌های کارگزار عضو فرابورس، نسبت به فروش و تکمیل فرم‌های مربوطه برای واگذاری سهام خود اقدام کنند و سهام آنها به بالاترین قیمت پابانی سهم در تابلوی فرابورس طی یک سال منتهی به تاریخ تصویب گزیر خریداری می‌شود.

سهامداران به مدت یک ماه و از ۱۴۰۴-۰۸-۲۴ تا ۲۴-۰۹-۲۴ امکان فروش سهام خود را دارند. همچنین سفارش‌های فروش از حیث اعتبار زمانی، بدون محدودیت خواهند بود و چنانچه سهامداران در مهلت مقرر نسبت به ارائه درخواست و سفارش فروش اقدام نکنند، طبق مفاد مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مدیر گزیر بانک آینده (در حال گزیر) مکلف است تمامی دارایی‌های بانک را مورد ارزیابی و فروش قرار داده و پس از تسویه بدهی‌های بانک به اشخاص و نهادهای ذی‌ربط، در صورت وجود هرگونه مصادرات دارایی‌ها بر بدهی‌ها، نسبت به پرداخت تنه سهامداری که سهام خود را نفروخته‌اند، اقدام کند.

##### ▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد

پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات منفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخشنامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات منفصله مربوط به فصل ۹۸ از اخذ تمدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده؛ واردکنندگان قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، سوئلیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود، ترخیص قطعات منفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.

با این حال، ظاهراً در ماه‌های گذشته به‌دلیل اختلاف داده‌ها میان وزارت صمت و گمرک درباره نحوه ارزش‌گذاری قطعات CKD و TCS، بخش قابل‌توجهی از اطلاعات این بانک به‌روزرسانی نشده و بسیاری از شناسه‌ها از اعتبار



# رمز گشایی از سقف تورم

**۶** مریم لطفی – رئیس کل بانک مر کی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه ونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است.

رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس از سقف تورم نقطه به نقطه رونمایی کرد. رئیس کل بانک مرکزی که برای گزارش‌دهی از عمل به اهداف برنامه هفتم به مجلس رفته بود، برای دفاع از عملکرد خود در حوزه کنترل تورم اعلام کرد که نرخ تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه سال ۱۴۰۳ به طور مستمر در حال کاهش بوده است؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ درصد در اسفند سال ۱۴۰۱ به ۳۳.۸ درصد در آذر سال ۱۴۰۳ رسید. این اعلام رئیس کل بانک مرکزی، جزئیات جدیدی از سقف تورم نقطه به نقطه را مشخص کرد. طبق اعلام مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه در ماه پایانی ۱۴۰۱، ۵۴ درصد اعلام شده بود. انتهای سال ۱۴۰۱ و ابتدای سال ۱۴۰۲، از نظر آمارهای مرکز آمار نیز بالاترین رقم ثبت شده تورم نقطه به نقطه طی دهه‌های اخیر است. بنابر این به نظر می‌رسد می‌توان رقم ۶۲.۴ درصد را به عنوان سقف تورم نقطه به نقطه اقتصاد ایران از دهه ۳۰ شمسی تاکنون معرفی کرد.

#### دو متهم اصلی افزایش نرخ تورم

صبح روز سه‌شنبه، رئیس کل بانک مرکزی در صحن علنی مجلس، صحبت کرد.محمدرضا فرزین در سخنان خود علاوه بر تشریح عملکرد بانک مرکزی در تحقق اهداف برنامه هفتم، از چند نرخ تورمی که تا پیش از این اعلام نشده بود، رونمایی کرد. فرزین همچنین دلیل افزایش تورم در سال گذشته و سال جاری را بیان کرد. به عقیده او دلیل افزایش نرخ تورم

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات آرزى به ارزش معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷میلیارد ۹۲۷میلیون دلار رسید.همچنین مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱۰.۱میلیون درهم، ۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار برآورد می‌شود.

بازار ارز تجارى در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار آرزى کشور، تامین نیازهای آرزى بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل آرزى، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، آرزى و تجارى آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله آرزى و طلاى ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران به ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع آرزى، ۹میلیارد و ۸۹۳میلیون دلار، ۲۲میلیارد و ۵۰میلیون درهم، ۴۴۳میلیون یورو، یکمیلیارد روپیه، ۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون ین و ۲میلیارد و ۶۴میلیون روبل بوده است.



در سال گذشته، افزایش نرخ بازار ارز مرکز مبادله بوده و افزایش تورم در سال جاری به دلیل افزایش انتظارات تورمی رخ داده است. رئیس کل بانک مرکزی در خصوص روند نرخ تورم گفت: «تورم از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ماه ۱۴۰۳، به طور مستمر در حال کاهش بود، نرخ تورم نقطه به نقطه از ۶۲.۴ به ۳۳.۸ درصد کاهش یافت. همچنین نرخ تورم سالانه از ۵۴ درصد به ۳۶ درصد کاهش یافت». فرزین در ادامه اصلی‌ترین دلیل افزایش تورم در آذر سال گذشته را به افزایش نرخ ارز مرکز مبادله ایران مرتبط دانست و گفت: «از آذر ماه سال قبل تورم همزمان با افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله ایران از حدود ۴۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان، نرخ تورم نیز افزایش شد». با این حال، فرزین دلیل افزایش تورم در سال جاری را متفاوت از سال گذشته دانست. رئیس کل بانک مرکزی در سخنان خود افزایش نرخ تورم در سال جاری را به تشدید انتظارات تورمی به دلیل افزایش نااطمینانی‌های دوران جنگ و پس از آن مرتبط دانست.

فرزین ناشی از تکانه‌های سیاسی و امنیتی، آثار پولی ناشی از اقدامات دولت بابت کسری بودجه و تأمین هزینه‌های دولت و افزایش قیمت خدمات دولتی، نرخ تورم افزایش یافته است». همچنین طبق گفته فرزین، نرخ تورم سالانه مهر ماه بانک مرکزی، ۲۸.۹ درصد محاسبه شده است. رئیس کل بانک مرکزی اعلام نکرد نرخ تورم نقطه به نقطه از نظر بانک مرکزی به چه رقمی رسیده است، ولی نرخ تورم سالانه اعلامی دقیقاً مشابه نرخ اعلام شده

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات آرزى به ارزش معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷میلیارد ۹۲۷میلیون دلار رسید.همچنین مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱۰.۱میلیون درهم، ۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار برآورد می‌شود.

بازار ارز تجارى در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار آرزى کشور، تامین نیازهای آرزى بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل آرزى، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، آرزى و تجارى آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله آرزى و طلاى ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران به ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع آرزى، ۹میلیارد و ۸۹۳میلیون دلار، ۲۲میلیارد و ۵۰میلیون درهم، ۴۴۳میلیون یورو، یکمیلیارد روپیه، ۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون ین و ۲میلیارد و ۶۴میلیون روبل بوده است.

# ردپای گزیر در صورت‌های مالی بانک آینده



سرمایه بانک را به بیش از ۵۰ درصد منفی رساند، عواملی که بانک آینده را در رده ناترازترین موسسات اعتباری کشور قرار می‌داد. تمامی نکاتی که از صورت‌های مالی بانک آینده عنوان شد نهایتاً نشانگر ردپای گزیر در گزارش‌های مالی آن بود.

بانک آینده به‌رغم ناترازی عمیق، همچنان به فعالیت معمول خود ادامه می‌داد و به‌دلیل کلان به سر جای بگذارد و از این جهت مصداق بارز مفهوم بین‌المللی (Too Big to Fail) بود. با این حال، اقدام اخیر بانک مرکزی در جایگاه مقام ناظر با ظرفیت قانونی جدید ایجاد شده در قانون بانک مرکزی نشان داد که رویکرد نظارتی حاضر دیگر تسلیم چنین شرایطی نخواهد شد؛ زیرا سیاست «گزیر» در عمل برای جلوگیری از تداوم همین پدیده طراحی شده است و با حذف آثار منفی بانک‌های ناتراز از بدنه اقتصادی کشور، مسیر دست‌یابی به انضباط مالی به ویژه در صنعت بانکداری را هموار می‌سازد.

در همین راستا، بانک مرکزی با استناد به ماده ۳۳ قانون مذکور، تصمیم به اجرای فرآیند

«گزیر» گرفت. قانون بانک مرکزی پنج راه‌حل برای موسسات اعتباری ناتراز پیش‌بینی می‌کند:

۱. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های موسسه اعتباری در حال گزیر به موسسه اعتباری دیگر، ۲. انتقال باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌ها به یک موسسه اعتباری

در گزارش مرکز آمار ایران است. طبق اعلام مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه در مهر ماه سال جاری ۴۸.۶ درصد و تورم سالانه ۳۸.۹ درصد ثبت شده است.



**پایین ماندن نرخ آرزى رسمی، از رشد تورم جلوگیری می‌کند؟**

دنیای اقتصاد به تبعیت از نظرات کارشناسی و صاحب‌نظران اقتصادی، در گزارش‌های زیادی به دلایل وقوع جهش‌های تورمی و راه‌کارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مهار تورم پرداخته است. به تازگی دنیای اقتصاد در گزارشی با عنوان «مثلث سیاستی مهار تورم» اعلام کرده بود که رفع چالش تورم، به اقدامات اصلاحی در هر سه حوزه نظام بانکی، ساختار بودجه و سیاست‌های ایجاد ثبات آرزى به صورت همزمان نیازمند است. به بیان دیگر سیاستگذار می‌تواند با برقراری آرامش در فضای سیاسی و رفع نااطمینانی‌ها، از افزایش انتظارات تورمی به عنوان موثرترین عامل برهم زننده ثبات بازار آرزى، جلوگیری کند. از سوی دیگر کارشناسان معتقدند ثبات بازار آرزى به معنی تعیین سقفی ثابت برای آرزى رسمی نیست.

به بیان دیگر، در مقابل ایده رشد بسیار آهسته نرخ آرزى رسمی، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند در شرایط تنش سیاسی و حتی وقوع جنگ، طبیعی است که نرخ دلار به عنوان اصلی‌ترین لنگر انتظارات تورمی، افزایش شدید را تجربه کند و با فرکوش کردن نااطمینانی‌ها به سطوح پایین تر بازگردانده شود. در چنین شرایطی بانک مرکزی اگر به صرف منابع برای پایین و ثابت نگه داشتن نرخ آرزى در بازار رسمی بپردازد، ممکن است از اصلی‌ترین مسوولیت خود یعنی حرکت در مسیر کنترل تورم باز بماند.

#### اجبار به افزایش نقدینگی

رئیس کل بانک مرکزی در بخشی از سخنان خود به عملکرد بانک مرکزی در حوزه اصلاح نظام بانکی اشاره کرد. او در سخنان خود به بهبود کفایت سرمایه و طبقه بندی بانک‌ها در قالب شش بانک تخصصی خبر داد. به گفته او شاخص کفایت سرمایه شبکه بانکی در حال حاضر به ۴،۵۴ رسیده است و به زودی هدف ۸ درصد تعیین شده توسط برنامه محقق خواهد شد. او در ادامه با اشاره به سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی در حوزه رشد نقدینگی و نرخ رشد تورم اشاره کرد و در خصوص دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی گفت: «به دلیل بروز انسداد پولی، به چند دلیل مجبور به افزایش نقدینگی شدیم. افزایش ریپوی بانک مرکزی به دلیل حجم بالایی که بابت انتشار اوراق دولتی در قانون پیش‌بینی شده است و همچنین اجرای بخشی از ماده ۴۶ رفع موانع تولید از موارد رشد نقدینگی در ماه‌های اخیر بوده است». او افزود: «آزادسازی ذخیره قانونی بانک‌ها برای پرداخت صف طولانی تسهیلات ازدواج در سال گذشته نیز از دلایل افزایش نرخ رشد نقدینگی بود. بر همین اساس ۵۰ درصد بالاتر از تکلیف قانونی و برای کاهش صف تسهیلات ازدواج و فرزند این تسهیلات توسط شبکه بانکی پرداخت شد».

#### افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا

رئیس کل بانک مرکزی در خصوص سیاست‌های آرزى و تکالیف بانک مرکزی، به توسعه و تعمیق بازار رسمی آرزى و توسعه طلاها و ابزارهای آرزى در مرکز مبادله اشاره کرد. رئیس هیات عالی بانک مرکزی در تشریح دیگر اقدامات بانک مرکزی در حوزه آرزى گفت: «افزایش نقش بانک مرکزی در بازار طلا، انتظام بخشی به بازار رمز پول‌ها، تلاش در جهت تقویت حکمرانی ریال، تأمین مالی آرزى از طریق طراحی و عملیاتی‌سازی ابزارهای تأمین مالی از جمله اوراق مریاجه که تاکنون بیش از ۲۰۰میلیون دلار از این اوراق فروخته شده است و راه‌اندازی تالار دوم در راستای اجرای تکالیف قانونی برای صادرکنندگان، از مهم‌ترین اقدامات این بانک در این حوزه بوده است.»

#### شروط تحقق اهداف برنامه هفتم

رئیس کل بانک مرکزی در تشریح چالش‌ها و موانع دست‌یابی به اهداف برنامه هفتم توسعه گفت: «دستیابی به اهداف برنامه هفتم با روش کنونی تأمین مالی کشور امکان‌پذیر نیست. بیش از ۹۰ درصد تأمین مالی کشور به عهده نظام بانکی است که واجد آثار تورمی و نقدینگی است. از سویی کسری بودجه دولت باعث ضعف در منابع پایه پولی کشور شده و این امر باعث اختلال در تأمین مالی بخشی خصوصی شده است. فشار در مقررات تجارى کشور و وجود رویه‌های متفاوت برای واردات و صادرات بدون نظارت و تنظیم‌گری بانک مرکزی از دیگر موانع تحقق اهداف برنامه هفتم است.»

به گفته فرزین: «موضوع کسری سرمایه بانک‌های دولتی و عدم تعیین تکلیف بدهی دولت به نظام بانکی از دیگر موانع دست‌یابی به اهداف برنامه توسعه است.»

در روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، معاملات آرزى به ارزش معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار توسط بازرگانان انجام شد با انجام این معاملات، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى از ابتدای سال تاکنون به رقم ۱۷میلیارد ۹۲۷میلیون دلار رسید.همچنین مجموع دادوستدهای انجام‌شده در بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران در تاریخ ۱۹ آبان ماه، به تفکیک نوع از شامل ۱۲۰.۷میلیون دلار، ۱۰.۱میلیون درهم، ۳.۲میلیون یورو، ۸۸.۳میلیون یوان بوده است که ارزش دلاری مجموع این معاملات معادل ۱۷۶.۷میلیون دلار برآورد می‌شود.

بازار ارز تجارى در آذرماه سال ۱۴۰۳ رانمانداری شد. این بازار با هدف سازمان‌دهی بازار آرزى کشور، تامین نیازهای آرزى بازرگانان در یک بازار رسمی، کاهش ریسک عدم تحویل آرزى، مدیریت نرخ بازار ارز و افزایش پیش‌بینی پذیری اقتصادی، آرزى و تجارى آغاز به کار کرد.

بر اساس این گزارش مرکز مبادله آرزى و طلاى ایران، از ابتدای سال جاری تا ۱۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، مجموع ارزش معاملات بازار ارز تجارى مرکز مبادله ایران به ۱۷میلیارد و ۹۲۷میلیون دلار رسیده است. همچنین حجم کل معاملات در این بازه زمانی، به تفکیک نوع آرزى، ۹میلیارد و ۸۹۳میلیون دلار، ۲۲میلیارد و ۵۰میلیون درهم، ۴۴۳میلیون یورو، یکمیلیارد روپیه، ۰۴میلیون وون، ۸میلیارد و ۲۰میلیون یوان، ۱۶۱میلیون ین و ۲میلیارد و ۶۴میلیون روبل بوده است.

# ردپای گزیر در صورت‌های مالی بانک آینده



سرمایه بانک را به بیش از ۵۰ درصد منفی رساند، عواملی که بانک آینده را در رده ناترازترین موسسات اعتباری کشور قرار می‌داد. تمامی نکاتی که از صورت‌های مالی بانک آینده عنوان شد نهایتاً نشانگر ردپای گزیر در گزارش‌های مالی آن بود.

بانک آینده به‌رغم ناترازی عمیق، همچنان به فعالیت معمول خود ادامه می‌داد و به‌دلیل کلان به سر جای بگذارد و از این جهت مصداق بارز مفهوم بین‌المللی (Too Big to Fail) بود. با این حال، اقدام اخیر بانک مرکزی در جایگاه مقام ناظر با ظرفیت قانونی جدید ایجاد شده در قانون بانک مرکزی نشان داد که رویکرد نظارتی حاضر دیگر تسلیم چنین شرایطی نخواهد شد؛ زیرا سیاست «گزیر» در عمل برای جلوگیری از تداوم همین پدیده طراحی شده است و با حذف آثار منفی بانک‌های ناتراز از بدنه اقتصادی کشور، مسیر دست‌یابی به انضباط مالی به ویژه در صنعت بانکداری را هموار می‌سازد.

در همین راستا، بانک مرکزی با استناد به ماده ۳۳ قانون مذکور، تصمیم به اجرای فرآیند

«گزیر» گرفت. قانون بانک مرکزی پنج راه‌حل برای موسسات اعتباری ناتراز پیش‌بینی می‌کند:

۱. فروش یا واگذاری تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های موسسه اعتباری در حال گزیر به موسسه اعتباری دیگر، ۲. انتقال باقی‌مانده دارایی‌ها و بدهی‌ها به یک موسسه اعتباری

## خودرو؛ متهم آلودگی هوا

را از مهم‌ترین دلایل افزایش مرگ و میر در اثر آلودگی کلان‌شهرها دانسته که اثرگذاری نوع وسیله نقلیه در دودزاشدن و مه آلودکردن هوای کشور متفاوت است. برای مثال شرکت کنترل کیفیت هوا در تازه‌ترین گزارش خود با عنوان بررسی نقش ذرات معلق ساینده از آلودگی هوای تهران به این مهم اشاره کرده که ۸۳درصد از آلودگی گازى در هوای تهران و همچنین سهم ۶۰درصدی در تولید ذرات معلق (PM)، به‌طور مستقیم به تردد وسایل نقلیه (شامل موتورسیکلت، سواری، عمومی و دیزلی) بازمی‌گردد. در این میان دو عامل اصلی به‌صورت ویژه مشکل‌ساز هستند؛ اول اینکه بسیاری از خودروهای بنزینی داخلی فاقد کاتالیست باکیفیت یا بادام کافی هستند. در غیاب نظارت موثر، این قطعات پس از مدتی از کار می‌افتند که به‌طور مستقیم منجر به افزایش آلودگی‌ها از سمت این خودروها می‌شود و دیگر اینکه بخش قابل‌توجهی از کامیون‌ها و اتوبوس‌های سنگین دیزلی از فناوری‌های منسوخ استفاده می‌کنند. این

وسایل به‌دلیل رانندمان پایین و مصرف بالای سوخت، تاثیر بسیار زیادی در انتشار مواد آلاینده خطرناک، به‌ویژه ذرات معلق، به محیط‌زیست دارند.

بنابراین علاوهبر اینکه نوع وسیله نقلیه در آلودگی هوا اثرگذار است، خودروها تنها یکی از مقصران اصلی آلودگی هوا به‌شمار می‌آیند. منابع با آلودگى زیاد به‌ویژه دیزل‌ها و موتورسیکلت‌ها، شرایط جغرافیایی محصور و وارونگی دما و مدیریت ناکافی در نوسازی ناوگان و سوخت استاندارد از جمله سه عاملی هستند که به‌طور همزمان در آلودگی تهران مقصر شناخته می‌شوند.بنابراین برای خروج از این وضعیت تنها نباید دست به دامان خودروسازان برای حرکت در سمت خودروهای برقی با آلودگی کمتر شد بلکه تحقق این امر نیازمند هماهنگی و همکاری دستگاه‌های مختلف برای توسعه گسترده زیرساخت حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان و مدیریت هوشمند ترافیک در کنار ارتقای استاندارد تولید خودرو و اصلاح فرآیندهای نظارتی است.

## عقب‌نشینی سه روزه بورس



**۹ فر حناز نعمتی** – معاملات دیروز بورس تهران باز هم در فضایی متاثر از فشار فروش سهامداران خرد دنبال شد. شاخص کل که در آغاز دادوستدها تا سطح ۳میلیون و ۱۲۲هزار واحدی پیشروی کرده بود.

در ادامه تحت‌تاثیر افزایش عرضه‌ها مسیر نزولی در پیش گرفت و در نهایت با کاهش ۰.۲۶ درصد در سطح ۳میلیسون و ۱۰۶ هزار واحد برای سسومین روز متوالی متوقف ششد. به این ترتیب، شاخص اصلی بازار سهام که معاملات سه‌شنبه را ابتدا در محدوده مثبت آغاز کرده بود، در نیمه دوم دادوستدها با غلبه فروشندگان، وارد محدوده منفی تابلو شد و کار خود را در محدوده سرخ به پایان رساند.

شاخص اصلی بازار سهام پس از ثبت سقف جدید در ۱۲ آبان امسال وارد مسیر کاهشی شد. جدال بازیگران اصلی در محدوده سقف تاریخی، به پیروزی فروشندگان منجر شد و شاخص بورس با افت قابل‌توجهی به کف ۳میلیون و ۱۰۰هزار واحد رسید. هرچند منفی‌های بازار، با استقبال خریدارها روبه‌رو می‌شود، اما همچنان سایه فشار عرضه‌ها بر سر بازار سنگینی می‌کند. شاخص کل بر اساس سنسارپوهای مختلف می‌تواند به حمایت‌های مختلف پناه ببرد. با توجه به آنکه انتظارات اهالی بازار سرمایه در خصوص متغیرهای اقتصاد برآورده نشده و در خصوص برخی از این عوامل، ابهاماتی وجود دارد، بر اساس اظهارات تکنیکالیست‌ها، نماگر اصلی بورس می‌تواند تا محدوده ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد نیز کاهش یابد.

کاهش میانگین ارزش معاملات در چند روز اخیر نیز نشانه‌هایی از اصلاح اندک را مخابره می‌کند. اما در صورت عدم پدیدارشدن محرک جدید، شاخص وارد اصلاح زمانی خواهد شد. کاهش بیشتر ارزش معاملات سبب خواهد شد تا نماگر اصلی تا ۳میلیون و ۸۵۰هزار واحد نیز کاهش یابد. فعال‌شدن هر یک از محرک‌های مورد انتظار بازار نظیر نرخ ارز، تغییر قیمت خوراک پتروشیمی‌ها، شفاف‌سازی در خصوص انتقال ارز فولادی‌ها و سایر صنایع به تالار دوم توافقی، شرایطی را پدیدار خواهد کرد که می‌توان



### خروج ارز تجاری از رخوت

بازار سهام در ماه‌های اخیر چهره‌ای دوگانه از خود به نمایش گذاشته است؛ از یک سو شاخص کل بورس با شتابی نسبتا قابل‌توجه از کف شهرپورماه فاصله گرفته و بازدهی ۳۶درصدی را تا سقف ۱۲آبان امسال به ثبت رسانده، اما در سوی دیگر بخش عمده‌ای از سهام حاضر در بازار همچنان با عقب‌ماندگی و ضعف نقدشوندگی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران مواجه‌اند.

داده‌های آماری تازه نشان می‌دهد که تنها حدود ۲۰درصد از نمادهای بورسی توانسته‌اند عملکردی بهتر از شاخص کل داشته باشند، در حالی که ۴۵درصد از نمادها بازدهی کمتر از شاخص ثبت کرده و حدود ۴۵درصد از کل شرکت‌ها از ابتدای موج جدید رشد بازار، بازدهی منفی داشته‌اند. این آمار در حالی منتشر شده که بیش از نیمی از ارزش بازار، یعنی حدود ۵۶درصد، در اختیار همان اقلیت نمادهایی است که عملکرد بهتری نسبت به شاخص کل داشته‌اند.

به بیان دیگر، گرچه تنها ۲۰ شرکت رشد قابل‌قبولی تجربه کرده‌اند، اما همین گروه کوچک به‌دلیل وزن سنگین خود در شاخص، بخش عمده‌ی رشد ظاهری بازار را رقم زده‌اند. این وضعیت را می‌توان مصداقی روشن‌تر از تمرکز رشد در نمادهای بزرگ دانست؛ وضعیتی که به‌ویژه در دوره‌های رکود عمومی و بی‌اعتمادی به بازار، بارها در بورس تهران تکرار شده است.

#### شکاف نقدشوندگی

یکی از متغیرهای کلیدی که در شکل‌گیری این تمرکز تاثیر بسزایی داشته، محدود شدن دامنه نوسان قیمت سهام به حدود سه درصد است. اگرچه سیاستگذار بورسی هدف از این اقدام را کنترل هیجانات و جلوگیری از ریزش‌های سنگین اعلام کرده است، اما در عمل، کاهش دامنه نوسان باعث شده تا جریان نقدینگی از سهام کوچک‌تر که به‌طور سنتی نوسانات بیشتری دارند، خارج شود. در شرایطی که خروج از صف‌های فروش دشوار و زمان‌بر شده، سرمایه‌گذاران حقیقی ترجیح داده‌اند دارایی خود را در نمادهایی با نقدشوندگی بالاتر و وزن سنگین‌تر متمرکز کنند.

دامنه نوسان محدود همچنین به ایجاد صف‌های پایدار در بازار منجر شده است؛ پدیده‌ای که در نمادهای کوچک‌تر شدت بیشتری دارد. در هفته‌های اخیر، به‌ویژه پس از بالا گرفتن تنش‌های نظامی میان ایران و اسرائیل، بسیاری از این نمادها وارد صف فروش شده و عملا امکان معامله پیدا نکرده‌اند. در چنین شرایطی، نقدشوندگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد در بازار سهام، به‌شدت آسیب دیده است. سرمایه‌گذارانی که تجربه‌ی قفل شدن سرمایه در صف‌های فروش را دارند، به‌سختی حاضر می‌شوند دوباره به سهام کوچک ورود کنند، حتی اگر نسبت‌های بنیادی آنها جذاب به نظر برسد.

افزایش تنش‌های منطقه‌ای و درگیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایران با اسرائیل نیز به این وضعیت دامن زده است. بازار سرمایه، به‌ویژه در ایران که به‌طور تاریخی به متغیرهای غیراقتصادی حساس است، نسبت به نااطمنیاتی‌های ژئوپلیتیک واکتور سریع نشان می‌دهد. در روزهایی که خبر از تبادل آتش یا تهدیدهای متقابل منتشر می‌شود، معمولا نخستین واکنش بازار خروج نقدینگی از سهم‌های کوچک و پرنسک است. سرمایه‌گذاران خرد که بخش عمده‌ای از معاملات روزانه را تشکیل می‌دهند، به‌صورت غریزی به سمت سهامی حرکت می‌کنند که پشتوانه‌ی بنیادی و مالی قوی‌تری دارند یا به لحاظ روانی، امن‌تر تلقی می‌شوند.

بورس تهران

صندوق‌های با درآمد ثابت، در حال حاضر مانع از بازگشت پایدار شاخص‌ها به مسیر صعودی شده است.

#### جابه‌جایی سهام

یکی از مولفه‌های اصلی پویایی بازار سهام، گردش مستمر مالکیت سهام میان بازیگران مختلف بازار است. زمانی که معاملات در وضعیت رکودی فرو می‌رود و بخش عمده‌ای از سهام در اختیار گروه محدودی باقی می‌ماند، عمق و نقدشوندگی بازار کاهش یافته و قیمت‌ها از ارزش‌های واقعی فاصله می‌گیرند. در مقابل، جابه‌جایی مداوم سهام بین سرمایه‌گذاران حقیقی کوتاه‌مدت و حقوقی‌های بلندمدت، به بازتعریف ارزش ذاتی شرکت‌ها و کشف قیمت منصفانه‌تر منجر می‌شود. کارشناسان معتقدند، اصلاح قیمت نیز در چنین فرآیندی نه‌تنها امری منفی نیست، بلکه بخشی ضروری از سازوکار سالم بازار به شمار می‌آید. این اصلاحات با تخلیه هیجانات، از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی جلوگیری کرده و زمینه بازگشت تعادل، اعتماد و توزیع مجدد ریسک را فراهم می‌کنند.

در واقع، نوسانات مقطعی و جابه‌جایی سهام، نشانه‌ای از ضعف بازار نیست؛ بلکه بازتابی از سلامت، کارایی و بلوغ تدریجی ساختار بورس در مسیر پایداری و تعادل بلندمدت است. در روزهای اخیر، فشار عرضه در اغلب نمادها محسوس بوده است. کارشناسان معتقدند با توجه به رشد نسبتا پرشتاب شاخص در دو ماه اخیر و رسیدن آن به محدوده روانی ۳میلیون و ۲۵۰ هزار واحد، بخشی از سرمایه‌گذاران اقدام به سیو سود کرده‌اند. با این حال، پس از اصلاح اخیر، شاخص کل به محدوده‌های قیمتی مهمی رسیده است. از منظر تکنیکال، محدوده سه‌میلیون واحد سطح حمایتی مهم برای شاخص محسوب می‌شود و در صورت شکست آن، سطح بعدی حوالی دو میلیون و ۹۵۰ هزار واحد قرار دارد.

#### آبان سخت بورس؟

برخی از تحلیلگران معتقدند، بورس تهران تا پایان آبان‌ماه شاهد دوره‌ای از سکون و احتیاط خواهد بود. با توجه به اینکه زمان انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه حسابرسی‌شده و تلفیقی شرکت‌ها تا پایان آبان ادامه دارد و خبری از تحولات بودجه‌ای جدید نیز نیست، احتمالا بازار در دو هفته پیش‌رو در فاز اصلاح استراحت قرار خواهد داشت. به نظر می‌رسد در غیاب محرک‌های قوی و اخبار جدید، شاخص بورس در کوتاه‌مدت در محدوده‌های فعلی نوسان خواهد داشت. در این میان، سرمایه‌گذاران باید توجه بیشتری به گزارش‌های عملکرد ماهانه شرکت‌ها داشته باشند؛ این گزارش‌ها می‌توانند مسیر حرکت گروه‌ها و صنایع را در آذرماه مشخص کنند. در چنین فضایی، کارشناسان توصیه می‌کنند بخشی از پرتفوی سرمایه‌گذاران در دارایی‌های کم‌ریسک‌تر مانند صندوق‌های درآمد ثابت یا ابزارهای مبتنی بر طلا نگهداری شود تا ضمن حفظ نقدشوندگی، فرصت مناسب برای ورود مجدد به سهام نیباید در سطوح جذاب فراهم شود. در همین رابطه هانف شاملو، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» به وضعیت این‌روزهای بورس تهران پرداخت. او می‌گوید که ممکن است اصلاح شاخص‌های سهامی در روزهای آینده نیز ادامه یابد.

این کارشناس اظهار کرد: فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز در روزهای اخیر موجب شده معاملات بازار از میانه روز به بعد در محدوده منفی دنبال شود؛ موضوعی که حتی صندوق‌های اهرمی را نیز به محدوده فروش رسانده است. بر اساس تحلیل تکنیکال، شاخص کل بورس پس از رشد قابل‌توجه از محدوده ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحد تا سقف تاریخی خود، وارد فاز اصلاحی شده است. این اصلاح را می‌توان به عنوان موج نخست استراحت تلقی کرد که در صورت حفظ محدوده ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد، احتمال بازگشت موقت بازار و شکل‌گیری موج «B» صعودی وجود دارد. در غیر این صورت، ادامه فشار عرضه می‌تواند شاخص را به سطوح پایین‌تری هدایت کند. هانف شاملو با بیان اینکه از روز چهارشنبه تغییرات جدیدی در کارمزد صندوق‌های اهرمی و سهامی اعمال می‌شود، گفت: موضوعی که از منظر روانی بر رفتار فعالان بازار تاثیر گذاشته است. افزایش کارمزدها از ۰.۲ به ۰.۴ درصد هرچند تاثیر بنیادین بر بازدهی ندارد، اما به گفته فعالان، در کوتاه‌مدت موجب احتیاط بیشتر نوسان‌گیرها و کاهش حجم معاملات شده است.

او در مورد وضعیت صنایع و معاملات درون‌گروهی نیز بیان کرد: در شرایط فعلی، نمادهای کوچک‌تر و صنایع متوسط همچون سیمان، دارو و برخی تک‌سهم‌های زودتر اصلاح‌کرده، عملکردی بهتر نسبت به شاخص کل دارند. این موضوع بیانگر آن است که بخشی از نقدینگی در حال جابه‌جایی از سهام بزرگ به نمادهای کوچک‌تر است؛ الگویی که معمولا در میانه فاز اصلاحی بازار مشاهده می‌شود.

به گفته این کارشناس، در صورتی که شاخص کل بتواند محدوده روانی ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد را حفظ کند، می‌توان انتظار داشت که بازار وارد موج صعودی کوتاه‌مدتی شود. در این میان، چند عامل کلیدی می‌تواند در آینده روند بازار اثر گذار باشد: کاهش احتمالی نرخ بهره بانکی از سوی بانک مرکزی که می‌تواند جذابیت بازار سهام را افزایش دهد، افزایش نرخ تسعیر ارز شرکت‌ها در صورت تداوم رشد نرخ دلار توافقی تا محدوده ۹۵ تا ۱۰۰ هزار تومان و تحولات سیاست خارجی و کاهش تنش‌های بین‌المللی که می‌تواند انتظارات مثبت در میان فعالان بازار ایجاد کند. هانف شاملو در پایان اظهارات خود افزود: بازار سهام پس از رشد قدرتمند دو ماه اخیر اکنون در فاز اصلاح طبیعی قرار دارد. در این مقطع، حفظ محدوده حمایتی ۳میلیون و ۷۰ هزار واحد برای شاخص کل از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین مسیر سرمایه‌گذاران با تنوع‌بخشی به سبد دارایی شامل صندوق‌های طلا، اهرمی و سهامی و پرهیز از تمرکز بر تک‌سهم‌ها، ریسک خود را مدیریت کنند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که ماه‌های آبان و آذر معمولا کف‌های قیمتی بازار را شکل می‌دهند و می‌توانند مقدمه‌ای بر شوک ریوگ روند صعودی در ماه‌های پایانی سال باشند.

در حالی که نرخ دلار آزاد با افت همراه شد، مرکز مبادله ارزی سهم مبادله ارزکی به سمت بی‌سابقه است و نشان می‌دهد سیاستگذار پولی با هدف کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد، گام تازه‌ای در مسیر تحقق نظام تک‌نرخ‌ی ارز برداشته است. در شرایطی که بازار آزاد ارز در روز جاری با کاهش ۳۲۰ تومانی نرخ از ۱۰۷ هزار و ۹۵۰ تومان به ۱۰۷ هزار و ۶۵۰ تومانقب‌نشینی کرد، مرکز مبادله ارزی شاهد اتفاقی متفاوت و کم‌سابقه بود. نرخ توافقی دلار در این مرکز با رشد ۰.۸ درصدی به ۷۳ هزار و ۸۱ تومان رسید که بالاترین سطح از ابتدای سال است؛ رشدی که در مقایسه با میانگین روزانه ۰.۰۲ درصدی، یک جهش قابل‌توجه محسوب می‌شود و نشانه‌ای از تغییر جهت سیاست ارزی دولت در مسیر تک‌نرخ‌ی شدن ارز تلقی می‌گردد. بر اساس داده‌های رسمی بانک مرکزی، از ابتدای سال تا ۱۹ آبان ۱۴۰۴، بیش از ۵۷.۲میلیارد دلار ارز برای واردات کالا و خدمات تأمین شده است که از این میزان، حدود ۲۵.۶میلیارد دلار به بخش تجارت و بازرگانی تخصیص یافته است. تمرکز بیش از اندازه در صنایع حمل‌ونقل و خودرو (۵۳.۲میلیارد دلار)، تجهیزات برق و الکترونیک (۳.۳میلیارد دلار) و ماشین‌آلات تولیدی (۳میلیارد دلار) نشان می‌دهد که دولت با اولویت‌دهی به بخش‌های مولد و پیشران، در حال هدایت منابع ارزی به سوی توسعه صنعتی است. همچنین داده‌های اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد که تمرکز بر بخش حمل‌ونقل و خودرو می‌تواند زمینه‌ساز احیای بخشی از ظرفیت‌های تولیدی در صنایع وابسته به واردات قطعات و تجهیزات باشد.

## کوچک‌های بیگانه بورس

در مقابل، شرکت‌های بزرگ صادرات‌محور یا نمادهای وابسته به کالا‌های جهانی، از چنین شرایطی کمتر آسیب می‌بینند یا حتی گاهی منتفع می‌شوند. در دوره‌های افزایش تنش سیاسی، معمولا نرخ ارز تمایل به صعود پیدا می‌کند و همین امر باعث بهبود درآمدهای ریالی شرکت‌های صادراتی می‌شود. این گروه از نمادها، که وزن بالایی در شاخص کل دارند، توانسته‌اند رشد شاخص را رقم بزنند و در عین حال، تصویری خوش‌رنگ از کلیت بازار ارائه دهند؛ تصویری که در واقعیت، با وضعیت اکثریت نمادها همخوانی ندارد.

#### جدایی شاخص از بازار

در ظاهر، رشد شاخص کل می‌تواند نشانه‌ای از بهبود عمومی بازار تلقی شود، اما وقتی فقط ۲۰درصد از شرکت‌ها بهتر از شاخص عمل کرده‌اند، معنای دقیق‌تر این شاخص تغییر می‌کند. در واقع، شاخص کل بیشتر از آنکه بازتاب‌دهنده «میانگین عملکرد بازار» باشد، نشان‌دهنده‌ی وضعیت چند شرکت بزرگ است. این موضوع از سال‌ها پیش در بورس تهران مورد انتقاد فعالان بازار بوده، اما در مقطع فعلی که دامنه نوسان و محدودیت‌های معاملاتی شدت یافته، این شکاف بیش از همیشه آشکار شده است.

به زبان ساده‌تر، رشد شاخص به معنای سودآوری همگانی نیست. بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد که در سبب خود سهام متوسط یا کوچک دارند، در حالی شاهد رشد روزانه‌ی شاخص هستند که پرتفوی آنها یا ثابت مانده یا حتی کاهش یافته است. این تضاد میان شاخص و تجربه‌ی واقعی سرمایه‌گذاران، یکی از عوامل اصلی بی‌اعتمادی کنونی به بازار به شمار می‌رود. اخیرا بورس تهران اعلام کرده، که احتمالا شاخص‌های جدیدی را برای صندوق‌ها و نمادهای کوچک یا شاخص سهامداران خرد را طراحی خواهد کرد که احتمالا این نوع از شاخص‌ها معیار بهتری را برای سنجش عملکرد بازار ارائه خواهند کرد.

#### هزینه‌های پنهان احتیاط

کاهش دامنه نوسان و سایر محدودیت‌های معاملاتی اگرچه در ظاهر با هدف کاهش نوسان و حفظ ثبات بازار اعمال می‌شوند، اما در باطن هزینه‌های سنگین به همراه دارند. یکی از مهم‌ترین این هزینه‌ها، کاهش عمق بازار و تضعیف نقش کشف قیمت است. در بازارکی با قیمت‌ها به سختی می‌توانند تغییر کنند، انگیزه‌ی معامله‌گران برای خرید و فروش نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه، حجم معاملات پایین می‌آید و ارزش معاملات روزانه به سطحی می‌رسد که نمی‌تواند مبنای تحلیلی برای روند کلی بازار باشد. به طوری که با وجود رشد بازار، همچنان ارزش معاملات در سطوح ۱۲ تا ۱۵همتی قرار دارند. در صورتی که با بازگشایی دامنه نوسان این اعداد می‌توانند به بالای ۳۰همت در روزهای خوب بازار افزایش یابد.

در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران حقوقی و صندوق‌های بزرگ که قدرت نقدشوندگی بالاتری دارند، می‌توانند با حجم‌های محدود، روند قیمتی را در نمادهای سنگین‌تر هدایت کنند. نتیجه این موضوع، پدیدآمدن بازاری است که ظاهر آن مثبت است، اما بدنه‌ی آن در رکود فرو رفته است. ادامه‌ی این وضعیت در میان‌مدت می‌تواند به از بین رفتن اعتماد عمومی و خروج سرمایه‌گذاران حقیقی از بازار منجر شود؛ رخدادی که پیش‌تر نیز در مقاطع مشابه تجربه شده است.

#### احتیاط و انتظار

#### بورس و بانک

## روزنامهٔ در اقتصاد

**دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ه‍.ش** • شماره۸۸۷ www.marzeghtesad.ir

#### ♥ سال درخشش شوینده‌ها

صنعت شوینده در سال جاری برخلاف سال‌های گذشته وضعیت پایدارتر و همین‌طور بهتری از منظر رشد سودآوری و درآمد پش‌تر گذاشته است. از منظر تولیدات طی هفت ماه نخست امسال، میزان افزایش شوینده‌ها ۱۷درصد نسبت به مدت مشابه افزایش‌یافته و نزول تولیدات سال گذشته این صنعت جبران شده‌است.

از منظر درآمدی نیز ۸۴درصد به فروش صنعت شوینده طی هفت ماهه ابتدای امسال افزوده شده‌است، باین‌حال به‌دلیل نرخ‌گذاری دستوری حاشیه سود صنعت شوینده به‌رغم رشد قابل‌توجه مقادیر تولید و درآمد طی سال جاری همچون میانگین تاریخی در سطح ۲۲درصد ثابت باقی‌مانده‌است. ماهیت مصرفی و همیشگی این محصولات باعث شده‌است تقاضا نسبتا ثابت باقی بماند و این صنعت در میان نوسانات شدید صنایع دیگر مانند پتروشیمی و فلزات، عملکردی مقاوم‌تر از خود نشان دهد. اصلی‌ترین چالش‌های صنعت شوینده تأمین ارز ماده‌اولیه این صنعت است. از آنجا که نرخ‌گذاری این صنعت در سایه دستوری صورت می‌گیرد، وارداتی بودن بخشی از ماده‌اولیه صنعت موجب می‌شود تا افزایش نرخ ارز مستقیما بر درآمد و سودآوری صنعت اثر بگذارد.

جبران عقب‌ماندگی تولیدی

بررسی مقادیر تولیدی شرکت‌های شوینده بازار سرمایه نشان می‌دهد که در ۱۳سال گذشته به‌طور میانگین در هر سال ۲۵هزار و ۵۵۵تن محصول از طریق تولیدکنندگان این حوزه به چرخه تولید تم‌آمده است و میانگین در هر سال ۴درصد به تولیدات در هر سال افزوده شده‌است. در سال ۱۴۰۳ میزان تولیدات این‌گروه روند نزولی به خود گرفته‌است. در این سال مجموع تولیدات شرکت‌های شوینده بورس تهران با کاهش ۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۷۵۲هزار تن نزول یافته‌است.

در سال جاری خصوصا سه‌ماهه دوم سال وضعیت تولیدات صنعت شوینده اوضاع بهتری را تجربه کرده‌است. طی تابستان امسال میزان تولیدات این گروه با رشد ۳۶درصدی نسبت به سال ماقبل به ۲۳۷هزار تن افزایش یافته‌است. در هفت ماهه نخست امسال تولیدات شرکت‌های شوینده بورسی ۴۹۶هزار و ۴۴۴تن به ثبت رسید که در قیاس با هفت ماه ابتدای سال گذشته ۱۷درصد بهبود یافته‌است. بیشترین میزان رشد مستقیما تولیدان این صنعت مربوط به شرکت «پاکشو» است. این شرکت در هفت ماهه امسال مجموعا ۴۷درصد به تولیدات خود افزود و ۱۸۵ هزار و ۷۷۱تن محصول به چرخه تولید درآورد.

چالش بزرگ صنعت شوینده

نوسانات نرخ ارز در سال‌های اخیر به مهم‌ترین عامل فشار بر صنعت شوینده تبدیل شده‌است. وابستگی بالای این صنعت به واردات مواد اولیه‌ای مانند سورفکتانت‌ها، اسانس‌ها و افزودنی‌های شیمیایی، باعث شده هر تغییر در قیمت دلار مستقیما هزینه تولید را افزایش دهد. رشد نوسان ارز، به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر که توان مالی و نقدینگی محدودی دارند، حاشیه سود را به‌شدت کاهش داده است. در مقابل، شرکت‌های بزرگ‌تری همچون پاکسان و شپاکسا با استفاده از قراردادهای بلندمدت تأمین مواد اولیه، تنوع‌بخشی به سبد محصولات و افزایش بهروزی در خطوط تولید، تا حدودی از اثر نوسانات ارز کاسته‌اند. همچنین بخشی از شرکت‌ها با تمرکز بر صادرات و درآمدهای ارزی تلاش کرده‌اند فشار افزایش هزینه‌ها را جبران کنند، اما چالش ارزی تنها به واردات مواد اولیه محدود نمی‌شود.

سیاست‌های قیمتی دولت و تورم داخلی نیز شرایط را برای تولیدکنندگان دشوارتر کرده‌است، درحالی‌که هزینه‌های انرژی، حمل‌ونقل و نیروی کار افزایش یافته، کنترل‌های قیمتی اجازه انتقال کامل این هزینه‌ها به مصرف‌کننده را نمی‌دهد، به‌همین‌دلیل، بسیاری از تولیدکنندگان برای حفظ سودآوری ناچار به افزایش بهروری، کاهش هزینه‌های غیرضروری و بازرگانی ساختار تولید خود شده‌اند. در مجموع، بی‌ثباتی ارزی همچنان تهدیدی جدی برای صنعت شوینده محسوب می‌شود. ثبات نرخ ارز، دسترسی آسان‌تر به منابع ارزی بـسری واردکنندگان و شفافیت در سیاست‌گذاری قیمتی، از دید کارشناسان بازار، مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تداوم رشد و سودآوری این صنعت به‌شمار می‌روند.

درپچه‌ای نوبه بازارهای منطقه‌ای

در سال‌های اخیر، بازارهای منطقه‌ای به یکی از محورهای اصلی رشد صنعت شوینده ایران تبدیل شده‌اند. شرکت‌های این حوزه با درک محدودیت‌های تقاضای داخلی و تاثیر سیاست‌های کنترل‌ی دولت بر قیمت‌گذاری، نگاه خود را به سمت کشورهای همسایه معطوف کرده‌اند؛ کشورهایی که هم از نظر فرهنگی و الگوی مصرف، نزدیکی قابل‌توجهی به بازار ایران دارند و هم ظرفیت بسالایی برای جذب محصولات شوینده ایرانی از خود نشان داده‌اند. رشد تقاضا در بازارهایی چون عراق، فیلیپین، سوریه و کشورهای حاشیه خلیج فارس فرصت تازه‌ای برای توسعه صادرات فراهم کرده‌است. برندهایی مانند شپاکسا و پاکسان طی دو سال گذشته با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صادراتی، افزایش تولید محصولات باکیفیت متناسب با استانداردهای منطقه و حضور فعال در نمایشگاه‌های بین‌المللی، توانسته‌اند سهم خود را در بازارهای هدف گسترش دهند.

#### ▼ ترمز ارزی صادرات اصفهان

طی رویدادی در اصفهان از صادرکنندگان نمونه استان تقدیر شد. در این رویداد که جمعی از فعالان اقتصادی، مدیران استانی و ملی و نمایندگان بخش خصوصی حضور داشتند بر ضرورت بازطراحی سیاست‌های ارزی و تجاری، حمایت از صادرکنندگان و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در توسعه صادرات تاکید شد.

در این رویداد همچنین بر نقش محوری صادرکنندگان در رشد اقتصادی و حفظ جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی، توسعه تجارت دانش‌بنیان و تسهیل مقررات ارزی و گمرکی تاکید شد.

امیر روشن‌بخش، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران در این نشست با قدردانی از تلاش فعالان اقتصادی گفت: ارز باید ابزار توسعه تجارت باشد، نه وسیله‌ای برای تنظیم بازار. نگاه نادرست به ارز روند صادرات را مختل کرده و ناهماهنگی میان سیاست‌های بانکی و تجاری نیز موجب فاصله قیمتی در صادرات و واردات شده است.

وی تاکید کرد:صادرات فعلی کشور عمدتاً سنتی و مبتنی بر تجربه فردی است. دستیابی به رشد پایدار نیازمند سیاستگذاری علمی و حمایتی در حوزه ارزی و تجاری است تا صادرات نقش واقعی خود را در توسعه اقتصادی ایفا کند.

مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، صادرکنندگان را پرچمداران واقعی اقتصاد کشور دانست و گفت: با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌ها، این فعالان با جسارت نام‌ایران را در بازارهای جهانی زنده نگه‌داشته‌اند.

او کمبود زیرساخت‌ها و مشکلات ارزی را از مهم‌ترین موانع دانست و تاکید کرد: با هم‌افزایی دولت، مجلس و بخش خصوصی می‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد. به گفته استاندار، استفاده از هوش مصنوعی، واقعیت افزوده و پلتفرم‌های تخصصی صادراتی، مسیر بازاریابی و فروش محصولات اصفهان را متحول خواهد کرد.

امیر کشانی، رئیس اتاق بازرگانی اصفهان نیز با انتقاد از بی‌توجهی به نظرات بخش خصوصی در تدوین مقررات اقتصادی اظهار کرد: بر اساس قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، دولت موظف است پیش از تصویب آیین‌نامه‌های اقتصادی با اتاق‌های بازرگانی مشورت کند، اما این قانون در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود.

او با اشاره به فشارهای قانونی و اداری بر صادرکنندگان گفت: بخشنامه‌های متعدد و متغیر باعث سردرگمی فعالان اقتصادی شده است. باید فرایندها تسهیل و سیاست‌های اقتصادی با رویکرد حمایتی نسبت به تولیدکننده و صادرکننده تدوین شود.

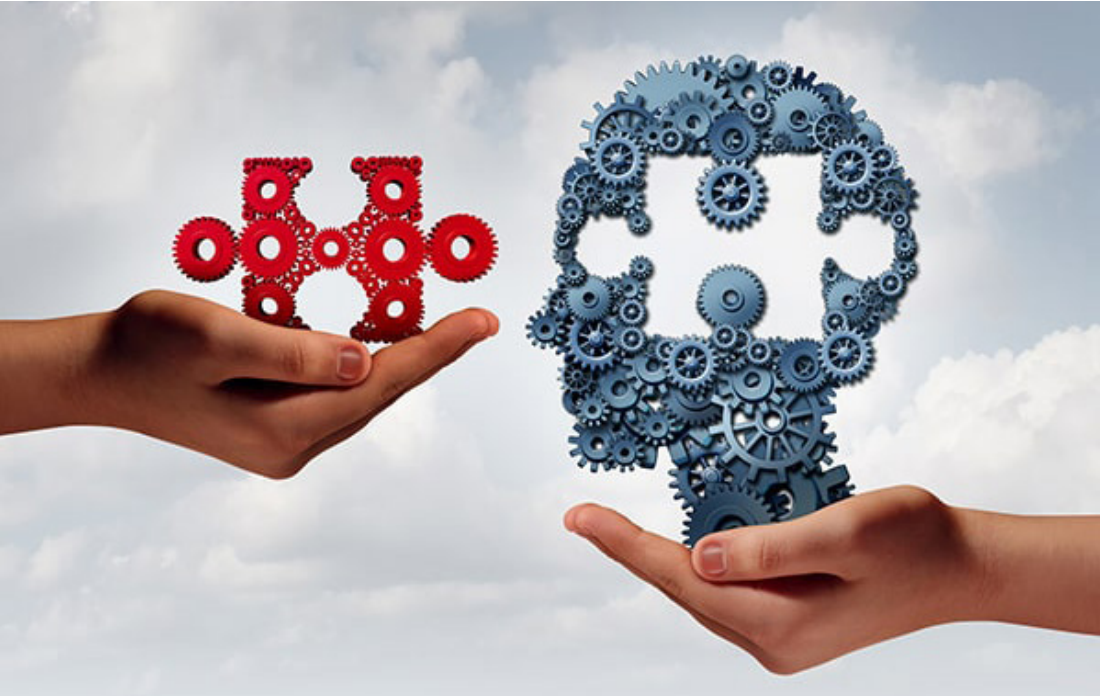
کشتانی افزود: کالاهای صادراتی استان در کمیسیون صادرات اولویت‌بندی و کشورهای هدف مشخص شده‌اند و با حمایت اتاق و مشارکت اعضا، حضور در نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی افزایش خواهد یافت.فرشته امینی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات و مدیریت واردات و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز فضای مراسم تجلیل از صادرکنندگان را متفاوت توصیف کرد و گفت: در این فضا هر کالا و ایده‌ای اگر مسیر خود را درست پیدا کند، جای خود را در بازار جهانی باز خواهد کرد. امینی با اشاره به اینکه نقطه امنی در بازار بین‌المللی وجود ندارد، افزود: هوش مصنوعی امروز بخشی جدایی‌ناپذیر از تجارت جهانی است و شرکت‌ها باید به‌صورت آگاهانه و هدفمند از آن بهره ببرند. وی تاکید کرد: موفقیت در صادرات پایانی ندارد و صادرکننده‌ای که در مسیر یادگیری، نوآوری و تحلیل مداوم بازار حرکت کند، آینده‌ای روشن خواهد ساخت.

سیدیوسف قاضی‌عسگر، رئیس کمیسیون صنایع غذایی و عضو هیات‌نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان نیز با اشاره به اهمیت نقش صادرکنندگان گفت: صادرکننده موفق باید تراز تجاری را بشناسد و با چالش‌های واردات و مالیات آشنا باشد.

وی با تاکید بر گسترش همکاری‌های بین‌المللی افزود: افزایش روزهای کاری مشترک با کشورهای هدف به توسعه تجارت کمک می‌کند. همچنین با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی و تعامل سازنده با سازمان مالیاتی می‌توان موانع ارزش‌افزوده صادرکنندگان را برطرف کرد.

داود صافی، نایب رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی اصفهان، با اشاره به تهدیدهایی که آینده فلات مرکزی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده، گفت: باید اولویت‌ها را مشخص کنیم و توسعه دانش‌بنیان‌های صادرات‌محور را در جایگاهی بالاتر از خود صادرات قرار دهیم.

او با انتقاد از سیاست‌های ارزی دو سال اخیر افزود: در این مدت‌میلیاردها دلار از بازار صادراتی کشور از دست رفت، زیرا صادرکنندگان به دلیل محدودیت در بازگشت ارز با نرخ واقعی، از ادامه فعالیت بازماندند.مهدی طبعلی، نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی، صادرات و ارزآوری را مسأله‌ای مرتبط با امنیت ملی دانست و گفت: مجلس در حال پیگیری توافق تجارت آزاد با پاکستان و توسعه همکاری با اتحادیه اوراسیاست. وی افزود: بیش از ۶۰ درصد صادرات کشور شامل کالاهای خام و کم‌ارزش است و باید به سمت محصولات با ارزش‌افزوده بالا حرکت کنیم.اصلاح قانون مبارزه با قاچاق و حمایت از صادرکنندگان از اولویت‌های کمیسیون اقتصادی مجلس است. صادق کریمی، سرپرست اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان، اصفهان را پیش از عرضه تولید و صادرات دانست و گفت: مشکلات بانکی و ترخیص کالا در حال پیگیری است و نتایج به‌تدریج نمایان خواهد شد.



## فاصله علم و تولید

**۶**
بیتا حسن پور – صنایع به منظور کاهش هزینه‌های تولید، ارتقا، نوآوری و جذب نیروی کار ماهر نیازمند ار تباط با دانشگاه هستند. تولید دانش و تربیت نیروی ماهر هم بر عهده دانشگاه است.

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

سال‌ها است که از ارتباط دانشگاه و صنعت صحبت می‌شود، اما در عمل این رابطه تقویت نشده است. صنعتگران می‌گویند ارتباط قاعده‌مندی بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد و وضعیت فعلی مطلوب نیست. آنها می‌گویند اگر دانشگاه‌ها خروجی قابل قبولی ارائه دهند حاضر به صرف هزینه برای تقویت این پیوند هستند. فعالان اقتصادی با اشاره به صنایعی که ارتباط خوبی با دانشگاه برقرار کرده‌اند، از لزوم تغییر رویکردها صحبت می‌کنند و می‌گویند دانشگاه و صنعت باید نسبت به یکدیگر باور داشته باشند. یک اسناد دانشگاه نیز با مروری بر وضعیت فعلی و واقعیت‌های صنایع و دانشگاه‌ها در کشور، ساختار این دو بخش را عامل شکاف بین آنها می‌داند و می‌گوید تا زمانی که تحولات بنیادین رخ ندهد، در بر همین پاشنه می‌چرخد و بخش صنعت و دانشگاه هر کدام جداگانه به روزمرگی خود ادامه می‌دهند.

در همسن رابطه، علی اصغر جمعه‌ای، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: رابطه سیستماتیک بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد. هرچند رابطه عملیاتی چندانی هم وجود ندارد، با این حال ارتباط صنعت و دانشگاه نسبت به سال‌های گذشته بسیار تفاوت کرده و این ارتباط بهتر و بیشتر شده است. این روند حتی در حوزه گردشگری و کشاورزی نیز مشهود است. جمعه‌ای توضیح داد: اسناد دانشگاه با صنایع همکاری دارند، اما هنوز ارتباط بین صنایع و دانشگاه‌ها در قالب تفاه‌نامه‌ها ایجاد نشده است. با وجود اینکه ارتباط بین این دو بخش تقویت شده، اما رابطه بین دانشگاه و صنعت همچنان مطلوب نیست. فعالان اقتصادی

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

استاندار گلستان اعلام کرد: برای سفر رئیس‌جمهور مجموعه‌ای از طرح‌های کلان ملی و استانی با بودجه پیشنهادی حدود ۴۵ همت تدوین شده است که هدف آن تسریع توسعه زیرساخت‌ها و کاهش محرومیت‌های تاریخی استان است.
علی‌اصغر طهماسبی در نشست شورای اداری استان با اشاره به جلسات اخیر در نهاد ریاست‌جمهوری افزود: حوزه‌های اولویت‌دار شامل راه‌سازی، سدسازی، آموزش عالی، نهضت مدرسه‌سازی، آسوراده، کریدور شمال-جنوب و پرورش میگو است.استاندار تصریح کرد: در این فهرست طرح‌هایی با پیشرفت تا ۲۰۰ تا ۳۰ درصد، شامل برخی بیمارستان‌ها و نیز طرح‌های دارای ردیف ملی با پیشرفت بالای ۷۰ درصد قرار دارند. به گفته طهماسبی، رقم پیشنهادی بودجه برای این سفر تقریباً دو برابر بودجه سفرهای قبلی رئیس‌جمهور به دیگر استان‌ها است. طهماسبی درباره منطقه آزاد اینچبهرون گفت: در ۱۰ ماه گذشته ۱۶ فرآیند برای عملیاتی شدن آن انجام شده و این منطقه از بین مناطق آزاد مصوب سال ۱۴۰۰ است و نخستین منطقه آزاد است که به بهره‌برداری رسید.

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

#### پیش‌نیاز رشد و توسعه صنعت

علی نقیب، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران نیز در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: ارتباط دانشگاه و صنعت یک نیاز همیشگی است. در کشورهای توسعه‌یافته نوآوری و تحقیقات از طرف دانشگاه ارائه می‌شود و صنعت آن را تبدیل به محصول نوآورانه و ارزش‌آفرینی می‌کند. نقیب افزود: ارتباط بین دانشگاه و صنعت در کشور سال‌ها است وجود دارد. اما چون ساختار مشخص و هدفمندی وجود ندارد، در بعضی موارد مشکل ایجاد می‌شود و برخی پروژه‌ها نیمه تمام و ناقص می‌ماند. وی ادامه داد: به دلیل اینکه رابطه سیستماتیک بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد و شاید دانشگاه به وظایف خود آگاه نباشد، صنعتگر تصور می‌کند اگر برای تقویت این ارتباط هزینه کند، سرمایه‌گذاری نکرده و به یک هزینه از دست رفته تبدیل می‌شود. متأسفانه این نگاه‌ها باعث شکل‌گیری وضعیت فعلی شده است.

عضو هیات نمایندگان اتاق ایران گفت: ارتباط بین صنعت و دانشگاه به رشد و توسعه صنعت در کشور منجر می‌شود. تحقق ارتباط بهتر بین این دو بخش نیازمند ساختار و هدفمندی است و باید از حالت‌های نمادین فاصله گرفت. در این زمینه می‌توان از کشورهای موفق در این حوزه الگوبرداری کرد و با توجه به مزیت‌های نسبی که ما در کشور داریم بسیار بهتر می‌توانیم نتیجه بگیریم.

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ

دست‌های یک دانشجو در حال نگه‌داشتن چرخ‌دنده‌های بزرگ



# امپراتوری جدید انرژی در شرق

**لیلا جلیلودو** – چین که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده انرژی جهان است، امروز بیش از هر زمان دیگری در تلاش است وابستگی خود به منابع خارجی را کاهش دهد.

پکن طی پنج سال‌اخیر با تغییر راهبرد انرژی، مسیر خودکفایی حداکثری را درپیش گرفته و تنها از سال۲۰۱۹ تاکنون، سه غول نفت و گاز این کشور (پترولیوم چین، سینوپک و CNOOC) نزدیک به ۴۶۸میلیارد دلار صرف عملیات اکتشاف و حفاری کرده‌اند؛ رقمی که حتی از سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی مانند آرامکو، اکسون‌موبیل و شل نیز پیشی گرفته‌است. نتیجه این هزینه‌کرد عظیم، بازگشت رشد به تولید داخلی و تبدیل‌شدن چین به یکی از اثرگذارترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان است؛ در شرایطی که دیگر نمی‌توان مانند گذشته، بازار انرژی را صرفا بر اساس اتکای جهان به تقاضای چین تحلیل کرد.

در این میان، یکی از نمادهای این تغییر بزرگ، نه در اتاق‌های سیاستگذاری پکن بلکه در دل آب‌های شمال شرقی چین دیده می‌شود. حدود ۲۰کیلومتر دورتر از بندر تیانجین، سازه‌ای عظیم از دل دریای بوهای سربرآورده است؛ سکوی ۱۱–CEPJ واقع در میدان نفت و گاز «کائوفدییان» این سازه تنها یک سکوی فراساحلی نیست؛ بلکه نشانه‌ای عینی از پروژه‌ای است که ارزش امروز آن از ۴۷۰میلیارد دلار فراتر رفته و پیامش برای جهان روشن است: چین می‌خواهد بر شریان حیاتی انرژی خود کنترل بیشتری داشته‌باشد و وابستگی‌اش را به حداقل ممکن برساند.

**بازاری که تغییر می‌کند**

در دهه‌گذشته، اقتصاد جهانی به یک حقیقت عادت کرده‌بود: بیش از ۶۰درصد رشد تقاضای جهانی نفت از سوی چین می‌آمد. همین روند شرکت‌های بزرگ نفتی جهان را به سمت سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در LNG و پروژه‌های گاز طبیعی سوق داد. برای مثال شل، پیش‌بینی می‌کرد تقاضای گاز چین تا ۲۰۴۰ حدود ۶۰درصد افزایش یابد. آرامکو نیز چین را «بازار تضمین‌شده آینده» می‌نامید، اما تصویر امروز متفاوت است. رشد اقتصادی چین کندشده، خودروهای الکتریکی سهم بیشتری از بازار را گرفته‌اند و مهم‌تر از همه تولید داخلی نفت و گاز سرعت گرفته‌است.

تحلیلگران موسسه برنستین انتظار دارند تا پایان دهه‌جاری تولید داخلی گاز چین از رشد تقاضا پیشی بگیرد؛ اتفاقی که اشتباهی چین برای واردات LNG را به‌طور جدی کاهش می‌دهد. این تحول یک پیام عمده دارد: وابستگی جهان به بازار انرژی چین کاهش یافته و معادلات قدرت در بازار جهانی نفت و گاز در حال دگرگونی است.

**چین چگونه به این نقطه رسید؟**

ریشه این رویکرد تازه به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد. از دهه ۱۹۵۰ و پس از جدایی از شوروی، ذهنیت «اتکانشدن به بیرون» در سیاستگذاران انرژی چین نهادینه شد. کشف و توسعه میدان‌های نفتی قدیمی مانند «داکینگ» نماد همین نگاه بودند؛ توسعه داخلی، تکیه بر مهارت‌های بومی و ایستادگی دربرابر فشار خارجی، اما بحران سال۲۰۱۶، زمانی که تولید برخی میدانین نفت و گاز چین به دلیل هزینه بالا و قیمت پایین نفت بی‌صرف شد، زنگ خطر جدی‌تری را به‌صدادراورد.



## امضای دو قرارداد جدید برای تولید مخزن و تبدیل ۴۵هزار خودروی بنزینی به دوگانه‌سوز

نگاهی به لیست بزرگ‌ترین شرکت‌های خودرویی گویای این مساله است که تولید، مونتاژ و واردات به‌طور مشترک و همگی در دست چند شرکت محدود قرار دارد به‌طوری‌که سیاستگذاران خودرو با سپردن تولید، مونتاژ و واردات به‌دست چند شرکت محدود، در اصل حلقه‌ای از انحصار را تشکیل داده‌اند که رقابت در آن معنایی ندارد.

سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو

یکی از نکات پر تکرار در بحث‌های اقتصادی و رسانه‌ای، تقسیم ارز بین واردات، تولید مونتاژ خودرو است. به‌طور مداوم این موضوع مطرح می‌شود که ارز واردات به مونتاژ اختصاص‌یافته یا ارز کالفی به تولید خودرو داده نمی‌شود. در ظاهر، این مساله به شکل یک رقابت بین بخش‌های مختلف مطرح می‌شود، اما وقتی همین شرکت‌ها که در تولید و مونتاژ خودرو فعالیت دارند، واردات را نیز انجام می‌دهند، این بحث‌ها بیشتر ماهیتی نمایشی پیدا می‌کند. بدین ترتیب در عمل، تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص ارز محلی از اعراب ندارد و همان شرکت‌های محدود که اس‌ها لای‌ذنی‌فغ رانت بوده‌اند، ارز را دریافت می‌کنند و آن را به تولید، مونتاژ یا واردات اختصاص می‌دهند.

ریشه وضعیت کنونی به دهها سیاستگذاری اقتصادی بازمی‌گردد؛ جایی که دولت با تخصیص رانت، تخصیص ارز، تسهیلات ویژه و محدودیت ورود رقیب، چند شرکت محدود را به‌عنوان ستون‌های اصلی صنعت خودرو ایجاد و تقویت کرد. این شرکت‌ها بدون برخورداری از شرایط رقابت واقعی، رشد کردند و توانستند بخش‌اعظم تولید، مونتاژ و واردات خودرو در را اختیار بگیرند، اما نکته کلیدی این است که با وجود این مساله، کنترل واقعی بازار و قدرت تصمیم‌گیری کلان، همچنان در اختیار دولت باقی مانده‌است؛ در واقع شرکت‌ها ابزارهایی هستند که دولت از طریق آنها عرضه خودرو را مدیریت می‌کند، قیمت‌ها را تحت‌نظارت دارد و تخصیص ارز و منابع مالی را کنترل می‌کند.

موضوع قیمت‌گذاری دستوری نیز به پیچیدگی این حلقه اضافه می‌کند. دولت قیمت خودروها را تعیین می‌کند و شرکت‌ها موظف به رعایت آن هستند. به ظاهر این سیاست با هدف حمایت از مصرف‌کننده و کنترل تورم اعمال می‌شود، اما اثر اصلی آن تقویت انحصار شرکت‌های محدود است. وقتی قیمت‌ها دستوری باشد، هیچ شرکتی نمی‌تواند با پایین‌آوردن قیمت یا نوآوری محصول، سهم بازار خود را افزایش دهد، در نتیجه فشاری که باید منجر به بهبود کیفیت، افزایش تنوع و نوآوری شود، عملا از بین می‌رود، بنابراین همین حلقه محدود نیز اساسا توان اینکه محصول باکیفیتی به مصرف‌کننده ارائه دهند، ندارد. علاوه بر این، تبلیغات و بحث‌های رسانه‌ای در مورد ارز و واردات خودرو، گاه مخاطب را به اشتباه می‌اندازد. در ظاهر، تصمیم‌گیری درباره تخصیص ارز بین واردات، مونتاژ و تولید، یک فرآیند مستقل و رقابتی است، اما در واقع، همان شرکت‌های محدود بازار هستند که تعیین می‌کنند چه مقدار ارز به کدام بخش اختصاص یابد. این شرکت‌ها با مدیریت تولید، مونتاژ و واردات، عملا خود تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و نقش رقابت در تخصیص منابع ارزی تقریبا بی‌معنی می‌شود.

**چرا مونتاژ؟**

نگاهی به روند تحولات صنعت و بازار خودروی کشور در چند سال گذشته نشان می‌دهد؛

در آن زمان تولید نفت چین طی سه سال حدود ۱۲درصد کاهش‌یافت. شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در سال۲۰۱۸ دستور صریح داد: تولید نفت و گاز باید افزایش یابد، به هر قیمت، پس از آن، سرمایه‌گذاری‌های داخلی رکورد زد. شرکت پترولیوم چین در سال۲۰۱۹ هزینه سرمایه‌ای خود را ۱۶درصد افزایش داد. شرکت‌های سینوپک و CNOOC نیز بیش از ۲۰درصد بر بودجه اکتشاف خود افزودند.

این هم‌زمان شد با افزایش قیمت نفت در جهان پس از جنگ اوکراین که باعث شد این شرکت‌ها نه‌تنها از بحران عبور کنند، بلکه در سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ رکورد سودآوری را ثبت کنند. در همین‌مدت، چین نه‌تنها میدان‌های هیدروکربنی قدیمی را احیا کرده، بلکه به‌دنبال منابع جدید رفته‌است؛ تولید نفت و گاز از شیل، تزریق CO برای افزایش برداشت، حفاری‌های فوق‌عمیق نزدیک به ۱۰هزار متر و توسعه عظیم میدانین دریایی. امروز، پنجاه سال پس از اولین صعود بزرگ نفتی چین، منطقه بوهای در دریای چین شمالی به بزرگ‌ترین قطب تولید نفت این کشور تبدیل شده؛ جایی‌که روزانه بیش از ۶۵۰هزار بشکه نفت تولید می‌شود.

**معنای این تحولات برای ایران**

این پرسشی کلیدی برای اقتصاد انرژی ایران است؛ کشوری که چین طی دو دهه‌گذشته یکی از مهم‌ترین مشتریان نفت آن بوده‌است. تحول انرژی چین می‌تواند سه تاثیر مهم بر ایران داشته‌باشد:

**۱. کاهش تدریجی وابستگی چین به نفت وارداتی**

چین هرچند همچنان بزرگ‌ترین واردکننده نفت دنیاست، اما با افزایش ظرفیت داخلی، بخشی از واردات خود را کاهش خواهد داد. این امر به‌خصوص بر کشورهایی که نفت آنها ریسک سیاسی یا تحریمی دارد (از جمله ایران) اثر خواهد گذاشت. گرچه ایران با ایجاد سیاست‌های قیمتی جذاب و مسیرهای «غیررسمی» توانسته صادرات خود به چین را حفظ کند، اما در بلندمدت رقابت سخت‌تر خواهدشد.

**۲. توجه چین به امنیت انرژی داخلی، نه توسعه سرمایه‌گذاری خارجی**

طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ شرکت‌های چینی بازیگران پررنگی در پروژه‌های نفت و گاز ایران بودند، اما اکنون که پکن صدهامیلیارد دلار را داخل خاک خود خرج می‌کند، اولویت‌گذاری برای سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافته‌است. پروژه‌های بزرگی مثل آزادگان‌شمالی و یادآوران که زمانی مقصد سرمایه چین بودند، اکنون در حاشیه قرار گرفته‌اند.

**۳. تقویت موقعیت چین در مذاکرات انرژی**

وقتی پکن به سمت خودکفایی بیشتر می‌رود، قدرت چانه‌زنی‌اش افزایش می‌یابد، در نتیجه ایران برای حفظ و گسترش بازار خود در چین باید استراتژی‌های هوشمندانه‌تری را اتخاذ کند؛ از جمله تنوع قراردادها، انعطاف قیمتی و استفاده از ظرفیت‌های پتروشیمی، LPG و گاز طبیعی در سبد صادراتی.

چین امروز در نقشه انرژی جهان جایگاهی فراتر از یک مصرف‌کننده بزرگ دارد و به یک تولیدکننده اثرگذار تبدیل شده‌است. این کشور اکنون در تولید نفت در رتبه هفتم جهان ایستاده و حتی از بسیاری از اعضای اوپک پیشی‌گرفته، درحالی‌که در تولید گاز رتبه چهارم را در اختیار دارد. طی ۱۰سال گذشته، تولید نفت چین حدود ۱۳درصد افزایش‌یافته و تولید گاز آن بیش از ۵۰درصد رشد کرده‌است. همچنین شرکت CNOOC، بازیوی فراساحلی چین، از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ تولید دریایی خود را ۶۰درصد بالا برده است؛ مجموعه تحولاتی که نشان می‌دهد پکن با سرعتی فراتر از انتظار در حال تغییر توازن سنتی بازار انرژی جهان است.

**تأثیری که از نگاه اول دیده نمی‌شود**

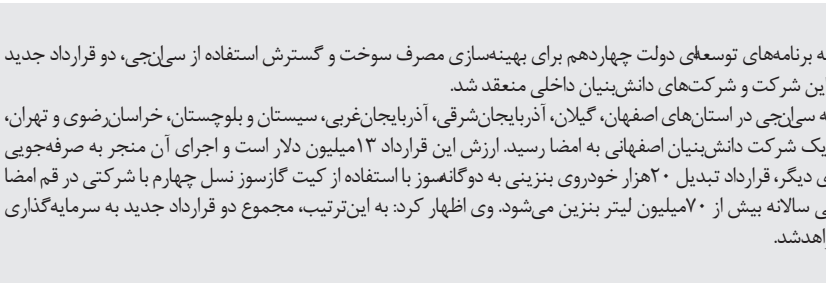
پکن در حال ایجاد چیزی است که شی‌جین‌پنگ آن را «کاسه برنج انرژی» می‌نامد؛ یعنی اتکای حداکثری به توان داخلی برای تأمین انرژی کشور. در چنین چارچوبی، چین در سال‌های آینده به‌جای رشد انفجاری واردات، بر تثبیت تولید داخلی تمرکز خواهد کرد. نفت احتمالا به سطحی ثابت می‌رسد اما گاز همچنان رشد خواهد کرد. همین تغییر جهت چین، در سطح جهانی نیز تاثیر دوگانه‌ای دارد: از یک‌سو امنیت انرژی چین تقویت می‌شود و آسیب‌پذیری آن دربرابر فشارهای آمریکایی کاهش می‌یابد؛ از سوی دیگر شرکت‌های غربی که روی بازار چین حساب کرده‌بودند، مجبور به بازنگری در استراتژی‌های خود خواهند شد.

**و ایران در این میان؟**

اگر ایران بتواند نگاه چین به انرژی را درست بخواند، این تحولات الزاما به‌معنای کاهش نقش ایران نیست؛ بلکه فرصت‌هایی تازه نیز ایجاد می‌شود. چین در دهه‌ایندبه برای گاز، محصولات پتروشیمی، فولاد، نفت سنگین و قیر همچنان به واردات وابسته است. از طرفی تنوع عرضه برای پکن همچنان یک اصل‌است و ایران، به‌ویژه در شرایط تحریم روسیه، می‌تواند یک «تامین‌کننده قابل‌اعتماد بلندمدت» باشد، اما واقعیت این است که چین دیگر مانند گذشته تشنه واردات نیست.

بازار آینده پکن، بازار رقابتی‌تر، حرفه‌ای‌تر و سختگیرتر است. ایران اگر بخواهد جایگاه خود را تثبیت کند، باید با شرایطی به‌روز، قراردادهای منطقی و سرمایه‌گذاری مشترک وارد شود. سرمایه‌گذاری ۴۷۰میلیارد دلاری چین در نفت و گاز تنها یک پروژه اقتصادی نیست؛ بازطراحی توازن قدرت انرژی در جهان است. کشوری که زمانی موتور تقاضا بود، اکنون با سرعت به سمت تولید بیشتر، کنترل داخلی و فناوری‌های پیشرفته حفاری می‌رود.

برای ایران، این یک هشدار و یک فرصت هم‌زمان است. هشدار از این جهت که بازار آینده چین دیگر آسان و قابل‌پیش‌بینی نخواهد بود و فرصت از آن جهت که هنوز هم ایران می‌تواند در سببد انرژی چین جایگاهی پایدار داشته‌باشد؛ اگر که رهبریدر واردات LNG را با واقعیت‌های جدید چین تنظیم کند. در جهانی که بازیگران قدیمی انرژی دوره‌ای تازه را آغاز کرده‌اند، بی‌تفاوتی بزرگ‌ترین هزینه است.



## سه‌ضلعی انحصار در بازار خودرو



برخلاف تمام شعارها درباره «افزایش تولید داخلی» یا «توسعه واردات برای ایجاد رقابت»، مسیر واقعی صنعت خودرو به سمت دیگری رفته‌است به‌طوری‌که اغلب شرکت‌های فعال در این حوزه، بخش عمده منابع مالی، ارزی و انسانی خود را صرف پروژه‌های مونتاژی کرده‌اند؛ پروژه‌هایی که در آن قطعات نیمه‌ساخته از چین وارد می‌شود و پس از سرهمبندی در خطوط تولید داخلی، روانه بازار می‌گردد. به گفته یک کارشناس خودرویی، این گرایش گسترده به مونتاژ نه اتفاقی و نه صرفا بر اساس منافع تجاری شرکت‌است؛ بلکه بازتابی از ترکیب سیاست، رانت و تصمیمات متغیر است.

از دید سیاستگذاران، مونتاژ بنوعی «قطعه تعادل» میان سه‌هدف ظاهرا متناقض است: کاهش فشار بر منابع ارزی، حفظ ظاهر تولید در داخل کشور و در عین‌حال تأمین نیاز بازار به خودروهای به‌روزتر، اما در عمل، این «تعادل» چیزی جز تداوم وابستگی و تثبیت حلقه بسته تصمیم‌گیری در صنعت خودرو نیست. برای درک چرایی تمرکز بر هدف مونتاژ، باید سه عامل اصلی در آن قطعات نیمه‌ساخته از چین وارد می‌شود و پس از سرهمبندی توضیح می‌دهند: سیاسی، اقتصادی و ساختاری.

نخستین عامل، ماهیت سیاسی روابط اقتصادی ایران با چین است. در سال‌های اخیر، چین نه‌تنها شریک تجاری اصلی ایران در نفت و کالاهای اساسی بوده، بلکه به یکی از معدود دروازه‌های باقی‌مانده برای تعامل صنعتی از چین وارد می‌شود. همکاری در حوزه خودرو نیز از همین مسیر پیش‌می‌رود. احتمال دارد از دید سیاستگذاران گسترش مونتاژ خودروهای چینی، نوعی امتیاز سیاسی نیز محسوب شود.

چین نیز با آگاهی از این وابستگی، بازار ایران را به‌عنوان میدان مناسبی برای توسعه برندهای درجه دو و سه خود می‌بیند؛ برندهایی که در بازارهای رقابتی‌تر جهان شانس چندان‌ی ندارند، اما در فضای محدود و کنترل‌شده ایران می‌توانند جای پای مطمئنی پیدا کنند.

در نتیجه مونتاژ خودروهای چینی به‌جای تولید مشترک یا انتقال فناوری واقعی، عملا تنها به تسخیر بازار خود می‌پردازد.

از همین زاویه است که سیاستگذاران نیز به‌جای توسعه واقعی تولید، از مسیر مونتاژ

### انرژی



**دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵** | شماره ۸۸۷

www.marzeghtesad.ir

**♥ فشار با مسکو تا توازن با پکن**

در ظاهر، تحریم‌های تازه علیه شرکت‌های بزرگ روسی مانند روس‌نفت و لوک‌ویل، نشانه‌ای از سختگیری است؛ اما در عمل، نحوه اجرای آنها باینگر بازی دوطرفه آمریکای میان فشار بر مسکو و حفظ توازن با پکن است.

تحریم‌های کاغذی

در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ (۳۰ مهر ۱۴۰۴)، دولت

ترامپ تحریم‌هایی را علیه دو غول انرژی روسیه، روس‌نفت و لوک‌ویل، اعلام کرد. هدف رسمی، کاهش درآمد نفتی کرملین بود؛ درآمدی که طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، سالانه بیش از ۵۰میلیارد دلار از بودجه‌جنگ اوکراین را تأمین می‌کند، اما در دیدار یک‌هفته بعد ترامپ با رئیس‌جمهور چین در حاشیه اجلاس APEC در بوئنس، رئیس‌جمهور آمریکا نه‌تنها از فشار مستقیم بر پکن برای توقف خرید نفت روسیه سخن نگفت؛ بلکه تأکید کرد «هدف رسمی، داوطلبانه خرید خود را کاهش داده‌است.»

این موضع نرم، نشانه‌ای از تحریم بدون اجرا بود؛ وضعیتی که بیشتر پیام سیاسی به بازار می‌فرستد تا اثر واقعی بر تجارت انرژی. در نتیجه، قیمت نفت که پس از اعلام تحریم‌ها افزایش‌یافته بود، به‌سرعت در محدوده ۸۳ تا ۸۵ دلار تثبیت شد.

ایالات‌متحده در این مرحله، میان دو الزام متضاد گرفتار است: از یک‌سو باید در سطح داخلی نشان دهد که علیه روسیه قاطع است و از سوی دیگر نمی‌تواند افزایش قیمت انرژی را تحمل کند؛ چراکه تورم سوخت به‌سرعت به نازخوابی اجتماعی تبدیل می‌شود، به‌همین دلیل، کاخ‌سفید سیاستی دوجوجهی را درپیش گرفته‌است: نمایش سختگیری برای مصرف سیاسی داخلی و انعطاف اقتصادی برای ثبات بازار جهانی. به‌گفته «هرت اریکسون»، تحلیلگر موسسه Energy Aspects، «تحریم‌ها بدون اعمال فشار بر خریداران چینی و شبکه بانکی شرق، بیشتر حالت نمایشی دارد و به روسیه فرصت سازگاری می‌دهد.» این همان منطقی است که به تعبیر اقتصاددانان ژئوپلیتیک، «ژئواکونومی کنترل‌شده» خوانده می‌شود: کنترل بازار به‌جای تغییر رفتار بازیگران نقش‌چین، خریدار مخاطب، شریک حسابگرچین در این میان، نقشی کلیدی دارد. پکن بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و بیش از ۳۰درصد نفت روسیه را خریداری می‌کند. با وجود فشارهای لفظی واشنگتن، داده‌های گمرک چین نشان می‌دهد؛ واردات از روسیه در ماه سپتامبر تنها ۵درصد کاهش یافته‌است. در دلیل آن ساده است؛ چین از تخفیف ۱۲ تا ۱۵ دلاری به ازای هر بشکه روس‌ها استفاده می‌کند و در عین‌حال با خرید محدود از آمریکا و عربستان، تعادل راهبردی در تأمین انرژی را حفظ می‌کند. واشنگتن نیز به‌خوبی می‌داند که فشار با وجود فشارهای لفظی واشنگتن، داده‌های پیش‌ازحد بر پکن، می‌تواند به واکنش‌های تلافی‌جویانه در حوزه تجارت، فناوری یا فلزات نادر منجر شود. از این‌رو، آمریکا ترجیح می‌دهد به‌جای تهدید مستقیم، با ارسال سیگنال‌های سیاسی به بازار، جریان انرژی روسیه به شرق را «قابل‌مدیریت» نگهدارد.

نتیجه چنین سیاستی، شکل‌گیری بازار کنترل‌شده‌ای است که در آن تحریم‌ها بیشتر نقش تنظیم‌کننده روانی دارند تا مانع واقعی. تحلیل بلومبرگ نشان می‌دهد؛ صادرات نفت روسیه در سه هفته پس از تحریم، تنها ۳درصد کاهش‌یافت و بخش عمده‌ای از آن از طریق شرکت‌های واسطه در سنگاپور و امارات ادامه یافت؛ این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی صادرکننده گاز طبیعی مایع (LNG) از وضعیت جدید بیشترین بهره را برده‌اند.

صادرات LNG ایالات‌متحده به اروپا نسبت به سال ۲۰۲۱ بیش از دوبرابر شده و به‌گفته اداره اطلاعات انرژی آمریکا، «به عامل اصلی توازن جدید انرژی قاره اروپا تبدیل شده‌است.» به‌عبارت‌دیگر، هرچه فشار بر نفت روسیه بیشتر شود، سهم انرژی آمریکا در بازار جهانی افزایش می‌یابد؛ وضعیتیه که هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی مطلوب واشنگتن است.

رویکرد آمریکای در قبال روسیه و چین را می‌توان نمونه‌ای از تحریم‌های انتخابی دانست؛ تحریم‌هایی که نه با هدف توقف کامل جریان انرژی، بلکه برای شکل‌دهی به رفتار بازار و افزایش قدرت چانه‌زنی واشنگتن طراحی می‌شوند. به‌گفته «ریک ون هوسرند»، معاون پیشین وزارت خزانه‌داری آمریکا، «هدف نهایی، نشان‌دادن جدیت سیاسی بدون آسیب به قیمت جهانی است؛ تحریمی که بازار را تنظیم کند، نه آنکه آن را بشکند.» چنین سیاستی در بلندمدت به آمریکا اجازه می‌دهد که نقش تنظیم‌گر انرژی جهانی را حفظ کند؛ اینکه هزینه‌های اقتصادی تحریم‌های سختگیرانه را بپردازد. در واقع، واشنگتن به‌جای مهار کامل روسیه، به مدیریت تدریجی آن در نظم انرژی بسنده کرده‌است. در کوتاه‌مدت، روسیه با وجود تخفیف‌های نفتی، توانسته بخشی از درآمد خود را حفظ کند؛ اما در بلندمدت، تکیه بر چین و هند موقعیت راهبردی مسکو را تضعیف می‌کند. در مقابل، آمریکا با افزایش صادرات انرژی و حفظ نقش تعیین‌کننده در قیمت جهانی، برنده نسبی این توازن پیچیده است. بااین‌حال، ثبات فعلی شکننده است. هرگونه تشدید جنگ در اوکراین یا اقدام چین در حوزه فلزات نادر می‌تواند این نظم شکننده را برهم بزند. بازی دوطرفه‌ای واشنگتن، اگرچه تاکنون موفق بوده، اما نیازمند ظرفیتی مداوم میان فشار ژئوپلیتیک و مصلحت ژئواکونومیک است.

## روزنامه در اقتصا

**دوشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۵** • شماره ۸۸۷ **www.marzeghtesad.ir**

### حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتوای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷۲.۲۵دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خانوار است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های قبلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با آرشوی بالغ بر ۹۵ هزار عنوان عمدتاً از طریق خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین نتفلیکس سه سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازد پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتاً بر تولید محتواهای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شوها، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتواهای سبک شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا پلتفرم‌های وی‌اودی برای تامین منابع مالی و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی و داخلی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و ISPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها در آمد قابل‌توجهی از فروش تراфик مصرفی و پهنای باند دارند.



## مهر «ساخت امارات» بر کالای ایرانی

ع رشیا حسن پور - در سال‌های اخیر، پدیده صادرات مجدد یاری اکسپورت کالا‌های ایرانی به یکی از موضوعات مهم و راهبردی در تجارت خارجی کشور تبدیل شده است.

ایسن روند که عمدتاً با هدف عبور از محدودیت‌های تجریعی، جبران ضعف‌های ساختاری در برندسازی و استفاده از ظرفیت‌های تجاری کشورهای واسطه شکل گرفته، اکنون سهم قابل‌توجهی از صادرات غیرنفتی ایران را تحت‌تاثیر قرار داده است. بررسی‌ها و تجربه فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که بخش مهمی از کالا‌های ایرانی، به‌ویژه در حوزه میوه، خشکبار و زعفران، نه با نام و هویت تجاری ایران، بلکه پس از بسته‌بندی مجدد و تحت برند کشورهای ثالث وارد بازارهای جهانی می‌شوند. این وضعیت علاوه بر کاهش ارزآوری، موجب تضعیف جایگاه برند ایرانی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی در زنجیره ارزش جهانی شده است.

ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالا‌های ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌شود.

محدودیت‌های ناشی از تحریم، دشواری نقل‌وانتقال پول، ضعف فناوری بسته‌بندی، هزینه‌های روبه‌افزایش حمل‌ونقل، پیچیدگی‌های اداری و نبود سیاست‌های حمایتی موثر از جمله عوامل کلیدی هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش ری‌اکسپورت ایفا می‌کنند. در کنار این چالش‌ها، برخی بازارهای هدف نیز همکاری با برند ایرانی را دشوار یا پرمسک می‌دانند و ترجیح می‌دهند کالا از مسیر کشور ثالث دریافت شود. به همین دلیل، کشورهایی مانند امارات، ترکیه، اسپانیا و افغانستان به نقاط اصلی برای بسته‌بندی مجدد و عرضه کالای ایرانی با نام‌های تجاری متفاوت تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، مساله حفظ ارزش افزوده داخلی، ارتقای جایگاه برند ایرانی و بازگشت سهم واقعی تولیدکننده از بازارهای بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. توجه به این موضوع می‌تواند مسیر توسعه صادرات پایدار را هموارتر کند و جایگاه کالا‌های ایرانی را در بازارهای جهانی تقویت سازد.

### دلایل اصلی رشد صادرات مجدد

محمدرضا فاروقی، رئیس کمیسیون گمرک اتناق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره فرآیند صادرات مجدد کالا‌های ایرانی توضیح داد، ری‌اکسپورت یا صادرات مجدد کالا‌های ایرانی به این معناست که کالا ابتدا از ایران به کشور طرف معامله صادر می‌شود و سپس از آن کشور به مقاصد دیگر ارسال می‌گردد. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این فرآیند، موضوع برندینگ است. برای نمونه، برخی شرکت‌ها در حوزه میوه و خشکبار در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر توسعه برند و شبکه خرده‌فروشی خود کار کرده‌اند. بنابراین، کالا را به‌صورت فله از ایران خریداری می‌کنند و پس از بسته‌بندی مجدد و اعمال ارزش افزوده، آن را با قیمت بالاتر به سایر بازارها می‌فروشند. دلیل دیگر، محدودیت در فروش مستقیم محصولات ایرانی به برخی بازارهای هدف است. ایران پیش‌تر در این کشورها سهم بازار داشت، اما به‌دلیل تحریم‌ها اکنون امکان عرضه مستقیم کالا با برند ایرانی وجود ندارد. ازاین‌رو، بخشی از صادرات ایران به‌صورت صادرات مجدد از طریق کشور ثالث انجام می‌شود.

فاروقی در پاسخ به این پرسش که ری‌اکسپورت معمولاً برای کدام کالا‌ها انجام می‌گیرد، گفت: این وضعیت در کالاهایی که بیشترین اثرپذیری از تحریم را دارند یا قابلیت ایجاد ارزش افزوده از طریق بسته‌بندی و خرده‌فروشی برای آن کالا‌ها وجود دارد، بیشتر مشاهده می‌شود. در چنین شرایطی، تجار ایرانی یک بازار هدف مشخص را شناسایی می‌کنند، اما به دلیل محدودیت‌های تحریمی امکان ارسال مستقیم کالا وجود ندارد. بنابراین، کالا به یک کشور ثالث صادر و پس از تغییر بسته‌بندی یا تغییر برند به مقصد اصلی ارسال می‌شود. گمرک ایران نیز برخی بخشنامه‌های حمایتی برای انجام بخشی از این عملیات در داخل کشور صادر کرده است، هرچند این موضوع همچنان محل بحث و اختلاف‌نظر است و اجرای آن با چالش‌هایی همراه است.

## توافق پنج‌گانه ایران و کویت برای توسعه روابط تجاری

انجام نمی‌شود. همچنین، بازاریابی سنتی هم همچنان وجود دارد که خود به صادرات زعفران با نام برندهای ایرانی و پیدا کردن مشتری‌های وفادار به برند ایرانی در بازارهای جهانی آسیب وارد می‌کند. او افزود: صادرات سنتی بیشتر مورد حمایت دولت قرار دارد، چرا که هرساله اکثر افرادی به‌عنوان صادرکننده نمونه انتخاب می‌شوند که به‌صورت خام و یا فله محصول خود را صادر کرده‌اند و به موادی نظیر میزان ارزآوری، میزان اشتغال ایجادشده و میزان ارزش‌افزوده خلق‌شده توسط تولیدکننده توجهی نمی‌شود. بنابراین، متولیان امر باید انگیزه ایجاد کنند تا زعفران توسط صادرکننده با نام و نشان ایرانی صادر شود.

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با اشاره به نقش بخش خصوصی و اتاق بازرگانی برای جلوگیری از کاهش صادرات مجدد کالا‌های ایرانی و برندسازی در داخل ایران تصریح‌کرد: بخش خصوصی در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های مختلفی انجام داده، اما بخش دولتی در این مسیر موانع متعددی ایجاد کرده که از جمله این موانع می‌توان به بحث بازگشت ارز و رفع تعهد ارزی اشاره کرد. اگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی بخواهند در زمینه صادرات زعفران تبلیغات و برندسازی انجام دهند، علاوه بر موانع خارجی، در داخل هم با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند.

او با اشاره به آینده تجارت زعفران با توجه به شرایط فعلی گفت: بخش عظیمی از زعفران ایران به افغانستان صادر و با نام برند این کشور وارد بازار جهانی می‌شود. به‌عنوان نمونه، تولید سالانه این کشور در محدوده ۲۰ تن در سال قرار دارد، اما میزان صادرات سالانه این کشور بیش از ۶۰ تن است. بنابراین، اگر صادرات با این روند پیش برود، قطعاً زعفران هم به سرزنوشت فرش ایرانی دچار می‌شود. زعفران میراث ایرانیان است و کویرنشینان معیشت خود را با تولید و صادرات این محصول تامین می‌کنند. بنابراین، محدودیت‌های صادراتی باید رفع شوند.

### ری‌برندینگ

مرتضی کوهنورد، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با دنیای اقتصاد درباره علت صادرات مجدد کالا‌های ایرانی و عرضه آنها با نام تجاری سایر کشورها توضیح داد: ری‌برندینگ این روزها به‌عنوان یکی از مدل‌های نوین کسب‌وکار در جهان مطرح است و فرصت‌هایی را برای توسعه برندها، افزایش رقابت‌پذیری و ورود به بازار جهانی فراهم می‌کند. با این حال، بخشی از کالا‌های تولید داخل همچنان با برند ایرانی صادر می‌شوند، اما تحریم‌ها باعث شده حضور برندهای ایرانی در بسیاری از بازارها با دشواری همراه شود. به همین دلیل، برخی تولیدکنندگان کالا را با بسته‌بندی ساده و بدون نشان تجاری از کشور خارج می‌کنند تا آن کالا‌ها در مقصد دوباره بسته‌بندی و صادر شوند. این روش با هدف کاهش اثرات تحریم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. عامل دیگر به ظرفیت‌های خالی واحدهای تولیدی ایران بازمی‌گردد. برخی شرکت‌های خارجی برای حفاظت از سرمایه‌گذاری و جلوگیری از واگذاری بازار خود به تولیدکنندگان ایرانی، ترجیح می‌دهند کالا با برند ثبت‌شده خودشان تولید شود.

این رویه در بسیاری از کشورها مرسوم است.

او گفت: به‌طور طبیعی، هرچه تولیدکننده قدرتمندتر و دارای پشتوانه مالی بهتری باشد، امکان ایجاد دفاتر تجاری در خارج از کشور و فعالیت‌های تبلیغاتی برای برند خود را هم دارد. با این حال، تحقق این امر نیازمند ثبات تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کشور مبدأ است. در ایران به‌دلیل تحریم‌ها، ضعف روابط سیاسی و مشکلات زیرساختی، این ثبات فراهم نیست و بخش تولید با محدودیت مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، همکاری با برندهای غیرایرانی می‌تواند بخشی از این محدودیت‌ها را کاهش دهد و امکان استفاده بهتر از ظرفیت‌های خالی را فراهم کند.

او در پاسخ به این پرسش که کالا‌های ایرانی معمولاً در کدام کشورها دوباره بسته‌بندی یا لیبل‌گذاری می‌شوند، گفت: کالای ایرانی عمدتاً از طریق امارات به شرق آسیا و جنوب آفریقا صادر می‌شوند و از طریق ترکیه، به شرق اروپا می‌رسند. بنابراین، بیشترین ری‌برندینگ در این دو مسیر انجام می‌شود. در بازارهایی مانند عراق و افغانستان به‌دلیل نزدیکی جغرافیایی و دسترسی آسان، بسیاری از همکاران تجاری از این کشورها در ایران حضور دارند و معاملات ریالی انجام می‌دهند.

### تحریم و خود تحریمی؛ سد راه صادرات

کوهنورد درباره تاثیر ری‌برندینگ در کاهش ارزآوری برای کشور تصریح کرد: ایران به‌دلیل تحریم‌ها و نبود برخی ارتباطات بین‌المللی، به‌ویژه عدم دسترسی به سیستم سوئیفت، با مشکلات جدی در تجارت خارجی مواجه است. این شرایط باعث می‌شود که تجار خارجی به دلیل دشواری در جابه‌جایی پول، تمایلی به همکاری با ایران نداشته باشند. از سوی دیگر، خرید کالا‌ها با قیمت واقعی انجام نمی‌شود و مسیر پیچیده انتقال کالا و وجوه دریافتی، باعث کاهش تقریبی ۱۰ تا ۲۰ درصدی ارزآوری در صادرات می‌شود.

ایبن فعال بخش خصوصی درباره نقش سیاست‌ها و قوانین داخلی در صادرات کالا‌ها با برندهای ایرانی تشریح کرد: زیرساخت‌های سیاسی و ارتباطات ایران در بحث تجارت جهانی محدود است و تحریم‌های داخلی، شامل موازین و مقررات پیچیده درباره صادرات، واردات، بازگشت ارز و رفع تعهدات ارزی برای صادرکنندگان، کار را بسیار دشوار کرده است. این مسائل باعث کاهش حضور ایران در بازار جهانی می‌شود و به تبع آن، کالا‌ها با هویت ایرانی کمتر در بازارهای خارجی دیده می‌شوند. او افزود: واقعیت این است که اگر موافقی پیچیده آفریقا، تعرفه‌های بالا و شرایط سختگیرانه رفع شوند، حجم صادرات ایران می‌تواند حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یابد. بازارهای صادراتی بسیاری از شرکت‌های ایرانی طی سال‌های گذشته به نصف یا حتی یک‌سوم کاهش پیدا کرده‌اند. برای مثال، شرکتی که قبلاً به ۳۰ تا ۴۰ کفن صادرات داشت، اکنون تنها به هفت تا ۱۰ کشور کالا صادر می‌کند. هرچند این به معنای از دست رفتن کامل بازارهای قبلی نیست، بلکه شرایط موجود عمدتاً به دلیل فعالیت واسطه‌ها ایجاد شده است.

این فعال بخش خصوصی درباره سهم کشورهای نظیر اسپانیا، ترکیه، امارات و عراق از ری‌برندینگ کالای ایرانی اظهار کرد: امارات، ترکیه در واقع از واسطه‌گری‌هایی که انجام می‌دهند، سهم قابل‌توجهی به دست می‌آورند. در اسپانیا، عمدتاً مرکز برن گاهان دارویی، به‌ویژه زعفران ایران است و این محصولات با برند اسپانیایی عرضه می‌شوند. بیشتر کالایی که به عراق صادر می‌شوند، برای مصارف داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و موضوع ری‌برندینگ مطرح نیست.

### اتاق بازرگانی؛ پل دولت و بخش خصوصی

این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که نقش دولت، اتاق بازرگانی و بخش خصوصی در کاهش ری‌برندینگ کالای ایرانی چیست، عنوان کرد: بخش خصوصی با تلاش و پشتکار خود همواره نقش مهمی در رفع این چالش‌ها ایفا می‌کند و اتاق بازرگانی، به‌عنوان بالاترین تشکل اقتصادی کشور، می‌تواند هم بازوی اجرایی دولت و هم سخنگوی بخش خصوصی باشد. دولت باید از تجربیات و پیشنهادات اتاق بهره ببرد و آنها را به‌خوبی اجرا کند. این شامل حذف قوانین دست‌نورس‌العمل‌های نامناسب در حوزه کسب‌وکار، اصلاح قوانین پایه‌ای و حمایت همه‌جانبه از بخش خصوصی است. اجرای موفقیت‌آمیز این موارد مستلزم ترکیبی از تخصص آکادمیک و تجربه عملی واقعی در تجارت، صنعت، معدن و کشاورزی است.

برآیند اظهارات فعالان اقتصادی و بررسی روندهای جاری نشان می‌دهد که گسترش صادرات مجدد کالا‌های ایرانی بیش از آنکه ناشی از ضعف در تولید باشد، ریشه در محدودیت‌های ساختاری، تحریمی و نهادی دارد که مانع حضور مستقیم و موثر برند ایرانی در بازارهای جهانی شده است. سهم‌گیری کشور‌های واسطه از ارزش افزوده کالاهای ایرانی، کاهش بازگشت ارز واقعی، تضعیف رقابت‌پذیری و حذف تدریجی نام ایران از زنجیره ارزش جهانی، از مهم‌ترین پیامدهای این روند است. در چنین فضایی، بازرگنری در سیاست‌های تجاری، تسهیل قواعد اداری، حمایت واقعی از صنعت بسته‌بندی، تقویت زیرساخت‌های مالی و ایجاد ثبات در محیط کسب‌وکار، پیش‌شرط‌های ضروری برای جلوگیری از تداوم ری‌اکسپورت و بازگرداندن سهم ایران در بازارهای هدف به شمار می‌روند. تنها با هم‌افزایی دولت، بخش خصوصی و تشکل‌های تخصصی می‌توان مسیر حرکت از صادرات خام‌چور به صادرات برند‌محور را تقویت کرد و جایگاه کالا‌های ایرانی را در تجارت بین‌الملل ارتقا داد.

### مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران از توافق ایران و کویت برای توسعه روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، عبدالامیر ربیهاوی درباره سیزدهمین دوره کمیته مشترک بازرگانی ایران و کویت گفت: دوازدهمین دوره این کمیته در سال ۱۳۹۳ برگزار شده بود و طرف کویتی استقبال بسیار خوبی از برگزاری این دور به عمل آورد و به‌رغم چند بار تعویق، اصرار بر تشکیل آن داشتند.

مدیرکل دفتر غرب آسیای سازمان توسعه تجارت ایران با اشاره به مزیت‌های جغرافیایی کویت برای ایران، گفت: فاصله کم دریایی بین بندار ایران مانند آبادان و خرمشهر با کویت و همچنین وجود مرز زمینی از طریق شلمجه، انتقال کالا را بسیار تسهیل و ارزان می‌کند. ضمن آنکه کویت سالانه حدود ۲۸میلیارد دلار از جهان واردات دارد و می‌تواند بازار مناسبی برای کالای ایرانی باشد.وی مهم‌ترین دستاوردهای این دور از مذاکرات را امضای توافقنامه در پنج محور اصلی توسط مقامات دو کشور برشمرد و تصریح کرد: در بخش تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، توافق شد نمایشگاه توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۶ در کویت برگزار شود. همچنین طرف کویتی اعلام آمادگی کرد تا برای بازدید از نمایشگاه‌های ایران و مذاکره با مسوولان به ایران سفر کند.

# افت ۵۲ درصدی آب تخصیصی به بخش کشاورزی

تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی نیز یکی از دردها و چالش‌های اصلی این بخش است.نوری قزلبه در مورد الگوی کشت نیز عنوان کرد: تهیه این برنامه با دقت کارشناسی انجام گرفته و یک بار رفت و برگشت بین استان‌ها و شهرستان‌ها با مرکز انجام شده در راستای تنظیم دقیق‌تر و مجدداً استانداران نیز به عنوان رئیس ستادی استان‌ها و فرمانداران در شهرستان‌ها قبول مسوولیت کردند تا به این موضوع کمک شود چرا که موضوع این دستگاه‌ها است. وی قیقه‌ضمان موجود در الگوی کشت را ناشی از عدم ضمانت اجرایی دانست و ادامه داد: این موضوع صرفاً به مشق‌وقا و حمایت‌های دولت بازمی‌گردد.همچنین سنجه‌هایی که در آن عقب هستندیم به مواردی که نیاز به منابع دارد بازمی‌گردد، همچنین در حوزه آب و خاک نیاز به اعتبارات دارد، به عنوان مثال در قانون برنامه هفتم بخش آب و خاک به ۱۷۵ همت سرمایه‌گذاری و اعتبار نیاز دارد درحالی‌که اعتبار مصوب ۴.۵ همت است.

نوری قزلبه درباره کوچک‌سازی و افزایش اثربخشی ساختار این وزارت‌گفته است: این کار با

رویکرد کاهش ۲۰ درصدی حجم تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی با حفظ استخوان‌بندی و تشکیلات اساسی وزارت جهاد کشاورزی نهایی شده و در حال انجام است. وزیر جهاد کشاورزی

درباره چالش‌های موجود در مسیر اجرای برنامه هفتم گفت: کاهش ۴۰ درصدی بارش‌ها در کشور، کاهش آب تخصیصی به بخش کشاورزی از ۷۰میلیارد مترمکعب به ۴۶میلیارد مترمکعب مهم‌ترین مورد است به طوری که آبی که اکنون در دست بخش کشاورزی است، از نظر سنجه‌هایی که در برنامه هفتم گنجانده شده بسیار کمتر است.

عضو کابینه دولت چهاردهم با اشاره به بدهی ۵۵میلیارد دلاری به تامین‌کنندگان ادامه داد: این موضوع ناشی از انباشت حدود ۴ سال گذشته است، از دیگر چالش‌ها، افزایش نرخ ارز رسمی و غیررسمی ناشی از شرایط بین‌المللی و تحریم‌های ظالمانه و پایین بودن میزان

### بررسی‌ها نشان می‌دهد بخشنامه‌هاو آیین‌نامه‌هایی که از سوی نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه تجارت

توسعه و ابلاغ می‌شوند.

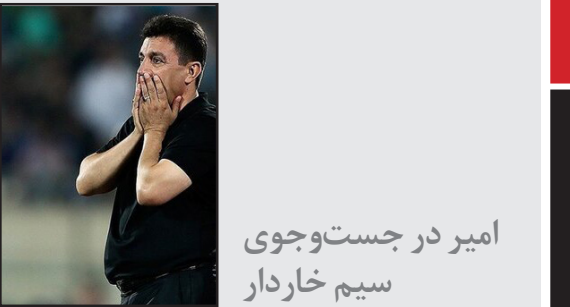
نویسنده:

## برگزاری لیگ والیبال در شرایط جنگی منطقی نیست



**عرفان حمیدی** –استقلال پس از پشت سر گذاشتن دیدار نسبتاً آسان برابر پادیاپ خلخال در جام حذفی، باید خود را برای سلسله‌ای از بازی‌های سخت و حساس آماده کند.

در حالی که فدراسیون والیبال اعلام کرده بود از ۱۵افروردین‌ماه ادامه مسابقات لیگ را در یکی از شهرهای امن برگزار می‌کند، اما هنوز در مورد آن تعیین تکلیف نکرده و این‌طور به نظر می‌رسد با توجه به جنگی که به کشورمان تحمیل شده است و فضای ملتهبی که وجود دارد، احتمال لغو و ادامه نداشتن مسابقات لیگ برتر والیبال مثل لیگ فوتبال وجود دارد.
بهروز عطایی، سرمربی تیم صدرنشین فولاد سیرجان ایرانیان که تا پایان هفته بیستیم لیگ برتر والیبال ایران با انجام ۱۸بازی، ۱۶ برد و ۲ باخت و با ۳۵ امتیاز صدر جدول این دوره از رقابت‌ها را به خود اختصاص داده است،



عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

عرفان حمیدی در جریان بازی با فولاد

هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و احتمال لغو کامل مسابقات این فصل بیش از پیش مطرح شده است. فدراسیون والیبال ایران در تلاش بود تا مسابقات لیگ برتر والیبال را در زمان مقرر به پایان برساند تا اردوهای تیم ملی در زمان خود برگزار شود، اما اکنون با چالش‌های جدی در این مسیر روبه‌رو شده است. پیش از آغاز جنگ تحمیلی، فدراسیون والیبال تصمیم گرفته بود تا مسابقات لیگ برتر والیبال را به صورت متمرکز برگزار کند تا لیگ برتر در زمان مقرر تمام شود، اما با تغییر شرایط این برنامه‌ریزی کاملاً بهم ریخت و ادامه مسابقات با تردید کامل همراه شده است. حالا هم در شرایطی که ۲۰ هفته از مسابقات گذشته، پس از حمله و تجاوز دو رژیم کودک‌کش و جنایتکار امریکا و اسرائیل به خاک کشورمان، لیگ به حالت تعلیق درآمده است.

بهروز عطایی، سرمربی سابق تیم ملی والیبال ایران و لیدر فنی حال حاضر باشگاه فولاد سیرجان ایرانیان، صدرنشین لیگ برتر تا پایان هفته بیستم، در خصوص احتمال لغو و منتفی شدن ادامه بازی‌ها در فصل ۱۴۰۴ و در هفته بیست و یکم می‌گوید: «حقیقتاً تا به امروز نه فدراسیون و نه سازمان لیگ هنوز چیزی به صورت مکتوب بابت لغو یا منتفی شدن ادامه مسابقات لیگ برتر والیبال باشگاه‌های کشور در فصل ۱۴۰۴ و ما و باشگاه فولاد سیرجان ایرانیان ارسال و ابلاغ نکرده‌اند. تنها مثل شما، من هم از طریق رسانه‌ها گاهی شنیده‌ام که احتمالاً به واسطه جنگ و تجاوزی که بر کشورمان تحمیل شده، احتمالاً ادامه بازی‌های ما هم در لیگ والیبال مثل لیگ فوتبال منتفی و لغو می‌شود.»

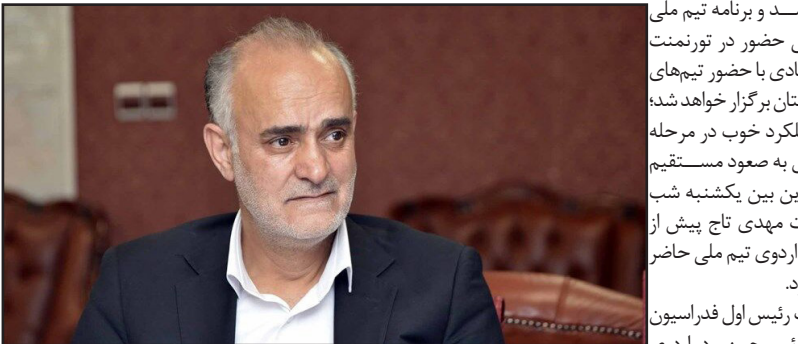
سرمربی باشگاه فولاد سیرجان ایرانیان تأکید دارد: «من هم معتقدم ادامه بازی‌ها و برگزاری مسابقات لیگ برتر والیبال در شرایط بحرانی و جنگی که در کشورمان وجود دارد منطقی نیست و لغو ادامه بازی‌ها در صورت موافقت فدراسیون و سازمان لیگ، تصمیمی درست و منطقی است. حتی اگر برخی از نقاط کشور امنیت نسبی داشته باشد و اینطور به نظر برسد که می‌شود به صورت متمرکز مسابقات باقی‌مانده لیگ برتر والیبال را در آنجا برگزار کرد، بازهم به اعتقاد بنده تصمیم درستی نیست و در شرایط ویژه و بحرانی حال حاضر، ریسک فراوانی به دنبال خواهد داشت. منطقی‌ترین تصمیم همین است که ادامه بازی‌ها لغو و منتفی شود. اگرچه ما صدرنشین هستیم و شاید برای بعضی عزیزان سوءتفاهم پیش بیاید که من به خاطر خودم و امتیاز قهرمانی تیمم این پیششهاد را می‌دهم، اما حقیقتاً این‌طور نیست و حتی اگر بازی‌ها ادامه داشته باشد، فولاد سیرجان ایرانیان به‌طور قطع شناس اصلی قهرمانی است. الان شرایط جنگی است و دشمن ممکن است دست به هر کاری بزند. بنابراین اولویت اصلی برای ما و مسئولان فدراسیون، حفظ سلامتی و جان ورزشکاران و والیبالیست‌ها و اعضای حاضر در تیم‌های مختلف است.»

##### هنوز برای اردوی برون‌مرزی والیبالیست‌ها وقت داریم

سرمربی سابق تیم ملی والیبال ایران معتقد است، روبرتو پیاتزا بدون شک در این شرایط جنگی و فضای ملتهبی که بر کشور حاکم است، اردوی برون‌مرزی را برای ملی‌پوشان والیبال ایران در نظر خواهد داشت. عطایی در این خصوص تأکید دارد: «ببینید، وقتی قرار است در شرایط جنگی حال حاضر ادامه بازی‌های لیگ برتر والیبال به احتمال فراوان لغو و منتفی شود چون امکان برگزاری مسابقات در ایران فعلاً مهیا نیست، قطعاً برگزاری اردوهای تیم ملی در ایران – با توجه به اینکه دشمن متجاوز حتی از حمله به مراکز ورزشی باکی ندارد □ به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. بنابراین به نظرم پیاتزا اردوی خارجی و برون‌مرزی را برای ملی‌پوشان والیبال در نظر دارد؛ اردویی که احتمالاً منتهی شود به لیگ ملت‌ها. زمان برای برگزاری اردو هست و ما همچنان برای در نظر گرفتن یک کشور خارجی به جهت اعزام والیبالیست‌های ملی‌پوش برای برپایی اردوی برون‌مرزی و انجام بازی‌های تدارکاتی، خوب وقت داریم. اینطور به نظر می‌رسد که مسئولان فدراسیون هم با این شرایط موافق هستند و منتظرند تا نظر سرمربی تیم ملی را بدانند و با تمام توان برای تدارک یک اردوی خوب خارجی پای کار تیم ملی و سرمربی ایتالیایی والیبال ایران باشند. امیدوارم والیبال ایران در لیگ ملت‌های امسال خوش بدرخشد. هرچند ما در گروه سختی قرار داریم که بهترین‌های والیبال جهان در آن هستند. در کل سال ۱۴۰۵ سال سرنوشت‌سازی برای والیبال ایران است. از لیگ ملت‌ها گرفته تا بازی‌های آسیایی و رقابت‌های قهرمانی آسیا که سهمیه ورودی المپیک در آن به تیم قهرمان اهدا می‌شود، همه و همه تورنمنت‌های معتبری است که والیبالیست‌های کشورمان باید برای درخشش و کسب افتخار در آنها مهیا شوند.»

<span>در سه دیدار اخیر تیم ملی فوتبال ایران، آنچه بیش از هر نکته‌ای به چشم می‌آید، نبود ثبات در ساختار خط دفاعی و تغییرات مداوم در آرایش و نفرات این بخش کلیدی است؛ موضوعی که نشان می‌دهد امیر قلعه‌نویی هنوز به ترکیب ایده‌آل خود در فاز دفاعی نرسیده است.</span>
<span>در دیدار مقابل ازبکستان، تیم ملی با ساختار چهاردفاعه وارد زمین شده؛ حضور مجید حسینی و شجاع خلیل‌زاده در قلب خط دفاع، در کنار میلاد محمدی و صالح حرادی در کناره‌ها، نشان از تمایل به استفاده از یک چینش کلاسیک داشت. این ساختار به لحاظ تئوریک می‌تواند تعادل مناسبی بین دفاع و حمله ایجاد کند، اما همچنان نشانه‌هایی از ناهماهنگی در عمق دفاع دیده می‌شد.</span>
<span>در بازی مقابل نیجریه، تغییر مهمی رخ داد و تیم ملی به سیستم سه دفاع مرکزی روی آورد. در این دیدار، علی نعمتی، شجاع خلیل‌زاده و حسین کنعانی‌زادگان به‌عنوان سه مدافع میانی به میدان رفتند و میلاد محمدی نقش وینگ‌بک را ایفا کرد.</span>
<span>این تغییر نشان‌دهنده تلاش کادرفنی برای افزایش پوشش دفاعی در عمق و در عین حال بهره‌گیری از عرض زمین در فاز حمله بود. با این حال، اجرای این سیستم نیازمند هماهنگی بالا بین مدافعان مرکزی و وینگ‌بک‌هاست؛ موضوعی که هنوز به شکل کامل در تیم ملی دیده نمی‌شود.</span>
<span>در دیدار مقابل اکوادور، بار دیگر تیم ملی به سیستم چهاردفاعه بازگشت. این بار ترکیب علی نعمتی و شجاع خلیل‌زاده در مرکز دفاع قرار گرفت و دانیال اسماعیلی‌فر در سمت راست و میلاد محمدی در سمت چپ بازی کردند. این تغییر مجدد، بیش از هر چیز نشان‌دهنده عدم قطعیت در انتخاب ساختار دفاعی است؛ مساله‌ای که می‌تواند در بازی‌های بزرگ به یک چالش جدی تبدیل شود.</span>

## نبی: ترکیب نهایی در ترکیه مشخص می‌شود



فیفادی آبان ماه آغاز شد و برنامه تیم ملی در سومین اردوی تیم ملی حضور در تورنمنت العین امارات است. این فیفادی با حضور تیم‌های ملی کپورهد، مصر و ازبکستان برگزار خواهد شد؛ سه تیمی که با ارائه عملکرد خوب در مرحله مقدماتی جام‌جهانی، موفق به صعود مستقیم به جام جهانی شدند. در این بین یکشنبه شب مسعود پزشکیان به دعوت مهدی تاج پیش از اعزام تیم ملی به امارات در اردوی تیم ملی حاضر شد و با بازیکنان دیدار کرد.

مهدی محمد نبی، نایب رئیس اول فدراسیون فوتبال در خصوص حضور رئیس‌جمهور در اردوی تیم‌های ملی به «بران‌ورزشی» گفت: «رئیس‌جمهور از تمرینات تیم‌های ملی بزرگسالان، امید و بانوان بازدید کرد و در این دیدار صحبت‌هایی بدون واسطه بین رئیس‌جمهور، مربیان و بازیکنان رد و بدل و شد. نقطه نظرات رئیس‌جمهور مطلوب بود و او بر وفاق و حمایت مردم و دولت از تیم ملی فوتبال کشورمان جهت حضور در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۶ تأکید ویژه‌ای داشت و اعلام کرد که دولت حمایت بسیار خوبی از تیم ملی خواهد داشت.»

او این گونه به صحبت‌های خود ادامه داد: «حضور رئیس‌جمهور در جمع بازیکنان تیم ملی فراتر از یک بازدید رسمی بود. می‌توان گفت حضور او در تمرینات تیم‌های ملی بسیار ارزشمند بود و مدیران و بازیکنان تیم‌های ملی از این حضور خرسند بودند. در این جام جهانی شاهد وفاق ملی و حمایت همه جانبه مردم خواهیم بود تا بتوانیم نتایجی در خور تیم ملی فوتبال کشورمان کسب کنیم. نکته قابل توجه نحوه حضور او با لباس تیم ملی و شرکت فعال در برنامه‌های تمرینی بود که موجب شد تا جو بسیار خوب و صمیمانه‌ای بر اردوی تیم ملی حاکم شود.»

مدیر تیم ملی در خصوص اردوی پیش رو و اعزام تیم ملی به امارات این گونه صحبت کرد: «ما پنجشنبه با تیم ملی کپورهد دیدار داریم و آن‌شاءالله بتوانیم این تیم را شکست دهیم و در فینال این تورنمنت حاضر شویم. در صورت پیروزی در این دیدار با برنده دیدار مصر و ازبکستان بازی خواهیم داشت. این اردوی تیم ملی به دلیل سنجش بازیکنان توسط کادر فنی تیم ملی اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که در این اردو چهار حقیقی تیم ملی را برای حضور در جام جهانی خواهیم شنناخت و در واقع ترکیب نهایی تیم ملی مشخص خواهد شد. در این اردو نتایج برای ما اهمیتی ندارد بلکه به دنبال ترکیب نهایی تیم ملی هستیم.»

نبی در خصوص بازیکنان مصدوم تیم ملی بیان داشت: «لته ما بازیکنان مصدومی داریم که تلاش می‌کنند هر چه زودتر مصدومیت‌شان به پایان برسد و به تمرینات گروهی تیم ملی اضافه شوند. سردار آزمون، مهدی قایدی، کسری طاهری و علی قلی‌زاده جزو نفراتی هستند که با مصدومیت مواجه شدند که قطعاً با رفع مصدومیت به اردوهای تیم ملی اضافه خواهند شد.»

## معمای ۷۰ روزه



حضور در جام‌جهانی هستیم. اگر تصمیم گرفته شود که شرکت کنیم حتما شرکت خواهیم کرد و اگر تصمیم گرفته شود که شرکت نکنیم تابع دولت و شورای عالی امنیت ملی خواهیم بود.» این در حالی است که با توجه به منع شدن تراکتور از حضور در لیگ نخبگان آسیا در عربستان با استدلال ممنوعیت سفر تیم‌های ایرانی به خاک کشورهای متخاصم، کفه عدم حضور تیم ملی در جام‌جهانی آمریکا سنگین‌تر شده است.

##### اینفانتینو چه می‌گوید؟

### ورزش



دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵مه‌شماره ۸۸۷www.marzeghtesad.ir

##### مهدی روی دور خوشبختی

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایس‌کاپس»

هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعلهور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربه‌ای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیبار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوتل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی. طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پوندسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که حوزه لوئیس مندیلیبار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی شده است، فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیبار سرمربی باتجربه اسپانیایی، با ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکمی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکمی با سابقه‌ای پرپراب در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی هشوار به نظر می‌رسد: درخشش در تیمی که یک ستاره پابست را در نوک حمله دارد.

اما مندیلیبار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهره‌برداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۲-۳-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکمی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر ا.ک.آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کلفی بود تا مندیلیبار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشابه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آماژئن گویانی همه چیز است: در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به‌طور میانگین، هر ۳۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکمی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت مبینان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه

در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکمی همچنان تمام‌کننده اول تیم به‌شمار می‌رود. اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی–مراکشی که در مقابل‌ی در زمین دارند. الکمی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازیساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به‌عنوان «جانشین الکمی»، بلکه به‌عنوان مکمل ارزشمند و ستاره تازه در قلب تیمشان می‌شناسند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مدی طارمی همان‌قدر که در پور تو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

##### ستارگان کلبا روی نوار ناکامی

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را هم‌زمان در ترکیب خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. اقتصاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌ای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و سعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایشی برتر، میزبان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و ناامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نور‌اللهی، سامی قدوس و شهربار مانولو امید زیادی به تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر



## نقش اسلام آباد در دیپلماسی منطقه‌ای

**۵** مرتضی اکبری –وقتی «اس. جایشانکار» وزیر مشاور در امور خارجه هند، اخیرا پاکستان را به دلیل ایفای نقش پیام‌سان بین ایالات متحده و ایران «دلال» نامید، این توهین، حس عمیقی از به حاشیه رانده شدن را آشکار کرد.

از نظر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، «دلال» بودن نشانه شرمساری نیست، بلکه نشان سودمندی است.

«سوشالت سینگ»، مدرس مطالعات جنوب آسیا در دانشگاه ییل، در مقاله‌ای در «فارن پالیسی» نوشت، ترامپ به توانایی خود در دستیابی به بهترین معاملات تاریخ می‌بالد و در فرمانده ارتش پاکستان، عاصم منیر، دقیقا همان نوع «واسطه ای» را یافته که دوست دارد؛ یک عامل در فرآیند قدرت سخت با دسترسی مستقیم به کاخ سفید و تمایل به قبولاندن خود به عنوان فردی مفید به کاخ سفید. این امر، نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند را در موقعیت دشواری قرار داده است و او تنها یک تماس تلفنی از ترامپ در مورد بحران خاورمیانه دریافت کرده است (درحالی‌که ایلان ماسک پشت خط به صحبت‌هایش گوش می‌داد). اسلام آباد اخیرا خود را به‌عنوان یک میانجی بی‌طرف بین واشنگتن و تهران معرفی کرده است. در ۲۹ مارس، پاکستان در کنار مصر، ترکیه و عربستان میزبان مذاکراتی در مورد جنگ بود. سپس، وزیر امور خارجه پاکستان برای دیدار با همتای چینی خود به پکن رفت و پس از آن دو کشور یک طرح صلح پنج قسمتی را منتشر کردند. نقش پاکستان به عنوان پلی بین ایالات متحده و ایران، منعکس کننده نقش تسهیل گر این کشور در گشایش روابط بین ایالات متحده به چین در سال ۱۹۷۱ است. اگر پاکستان بتواند با ایران مذاکره کند، میزبان جلساتی با سه قدرت خاورمیانه باشد و روابط خود را با چین حفظ کند – همه اینها در حالی است که بتواند رابطه خود را با دولت ترامپ حفظ کند – این یک شکست تحقیرآمیز برای مودی است که سیاست خارجی او مدت‌هاست به دنبال منزوی کردن دیپلماتیک اسلام آباد بوده است.

پاکستان با وجود مشکلات داخلی و خطرات شکست به عنوان یک طرف گفت‌وگو، با ایجاد ارتباط دیپلماتیک از هند پیشی گرفته است. این لحظه شکنندگی روابط ایالات متحده و هند را برجسته می‌کند و جایگاه ضعیف دهلی نور را در نمایش همسایگی اش برجسته می‌کند. از آنجا که هند همچنان به روایت سیاسی داخلی مبنی بر آرزوی رهبری جهانی امیدوار است، اما در راهروهای واقعی قدرت نادیده گرفته می‌شود. پاکستان با استفاده از موقعیت منحصر به فرد خود به عنوان یک واسطه قابل اعتماد، نقش خود را در مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای پرمخاطره برای پایان دادن به جنگ ایران تسهیل کرد. مذاکرات اسلام‌آباد در ۲۹ مارس، زیربنای این تلاش بود، زیرا پاکستان، مصر، ترکیه و عربستان سعودی کمیته‌ای را برای حمایت از آتش‌بس تشکیل دادند و با ایران به توافق برای عبور کشتی‌های پاکستانی از تنگه هرمز دست یافتند. به نظر می‌رسد این دیپلماسی اخیر، پاکستان را از یک کشور بی‌طرف به کشوری که به خاطر تلاش‌هایش برای تأمین صلح منطقه‌ای شناخته شده است، ارتقا داده است. این تغییر پس از سال‌ها به حاشیه رانده شدن اسلام‌آباد توسط روسای جمهور قبلی ایالات متحده و همچنین تلاش منیر برای دیده شدن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای صورت گرفته است. پاکستان نه تنها روابط خود را با چین تعمیق بخشیده، بلکه همکاری استراتژیک جدید خود را با عربستان سعودی نیز

### تصمیم ناگهانی MBC علیه ایر ان

جنگالی که سال ۲۰۲۲ فیلمبرداری‌اش به پایان رسید

درباره دیپلمات‌های سعودی گروگان گرفته شده در ایران

است.نکته عجیب این است که پیش‌تر خبرهایی از عدم

شبکه MBC خاورمیانه متعلق به عربستان سعودی، از پخش این مجموعه منتشر شده بود و حالا قرار است در به همدستان آنها در منطقه خلیج فارس است که باعث پخش سریال تلویزیونی «سفرات ۸۷» خبر داد.این سریال دسترس قرار بگیرد.

تصاویر مهاجران غیرقانونی که از ایالات متحده به هند بازگردانده می‌شدند، ادعای مودی مبنی بر دوستی ویژه با ترامپ را نقش بر آب کرد. مقامات آمریکایی آشکارا اعلام کرده‌اند که ایالات متحده با تسهیل ظهور هند، «اشتباهات» گذشته خود با چین را تکرار نخواهد کرد. در جلسات غیررسمی، دیگران گفته‌اند که هند نباید انتظار داشته باشد که اگر بحران مرزی دیگری با چین رخ دهد – مانند آنچه در سال ۲۰۲۰ رخ داد – ایالات متحده کمک کند. دولت ترامپ همچنین بی‌علاقگی خود را به گفت‌وگو امنیتی چهارجانبه، که قرار بود سنگ بنای همکاری ایالات متحده و هند در «هند و اقیانوس آرام» باشد، نشان داده است.

اتحاد استراتژیکی که دهلی نو آن را با یک تعهد پایدار اشتباه گرفته بود، گذرا بوده است. درک این که هند دیگر به اندازه‌ای که قبلا فکر می‌کرد برای پروژه آمریکایی‌ها ضروری نیست، برای این کشور یک مساله دشوار است. به نظر می‌رسد ترامپ آماده است تا ترجیحات خود را در منطقه با این اساس نیازهای تاکتیکی فوری تنظیم کند. اگر منیر بتواند یک توافق با ایران حاصل کند یا یک پلتفرم پایدار برای منافع ایالات متحده در جنوب آسیا فراهم آورد، ترامپ تردید نخواهد کرد که او را به بهای کنار زدن مودی گرامی داشته و پاداش دهد. هند اکنون با چشم‌انداز پاکستان بااعتمادبه‌نفس‌تری روبه‌رو است که از سوی مجموعه‌ای از متحدان حمایت می‌شود، درحالی‌که گزینه‌های استراتژیک هند در حال محدود شدن است.

مودی بیش از یک دهه است که تلاش می‌کند پاکستان را از نظر دیپلماتیک بی‌اهمیت جلوه دهد. منطق ساده بود: اگر هند می‌توانست اقتصاد خود را جهانی کند، مشارکت خود را با غرب تعمیق بخشد و روایت یک قدرت نوظهور مسوول را نشان دهد، پاکستان به حاشیه رانده می‌شد. با این حال، وضعیت فعلی نشان می‌دهد که چگونه سیاست خارجی مودی، روایت‌های داخلی کند یا واقعیت‌های تلخ پویایی قدرت بین‌المللی اولویت داده است. هند مدت‌هاست که خود را به عنوان قدرتی مشتاق که جهان باید در مورد آسیای چندقطبی به آن گوش دهد، معرفی کرده است، اما نتواند دهلی در تاثیرگذاری بر تحولات روابط ایالات متحده و ایران درحالی‌که پاکستان سعی می‌کند در مرکز صحنه باشد، خلاف این را نشان می‌دهد.

این موضوع تأکید می‌کند که چگونه رابطه استراتژیک بین ایالات متحده و هند همواره بیشتر در مورد نگرانی‌های مشترک در مورد چین بوده است تا ارزش‌های مشترک یا اعتماد عمیق. در آغاز جنگ ایران، مودی تصمیم گرفت از اسرائیل و در نتیجه ایالات متحده حمایت کند و دهلی نو را از نقش یک دولت معتبر خارج کرد. در نتیجه، مجبور شد از طریق تلفن از تهران درخواست کند تا به کشتی‌های حامل گاز پخت و پز به هند اجازه عبور از تنگه هرمز را بدهد. اکنون با پاکستان به عنوان یک کانال معتبر در خاورمیانه رفتار می‌شود، جایی که هند زمانی امیدوار بود سهام خود را گسترش دهد.

همه این تحولات برای مودی ناخوشایند است، چرا که او هند را به عنوان پلی بین جنوب جهانی و قدرت‌های بزرگ معرفی می‌کرد؛ کشوری که دیگران اگر می‌خواهند دیدگاه جدی نسبت به نظم نوظهور داشته باشند، باید با آن مشورت کنند. اگر هند نتواند جایگاه خود را در گستره همسایگی خود حفظ کند، این ادعاها به دنبال آن می‌آیند. علاوه بر این، ظهور یک بلوک «قدرت میانی» متشکل از پاکستان، مصر، ترکیه و عربستان – که سه مورد از بزرگ‌ترین ارتش‌ها، سلاح‌های هسته‌ای و وزن مالی خاورمیانه را در خود جای داده‌اند – چالشی مهم برای منافع هند است. این بلوک از وزن دیپلماتیک و اقتصادی جمعی برای دور زدن مراکز قدرت سنتی برخوردار است.

برای هند که همیشه تعاملات دوجانبه را ترجیح داده است، ظهور چنین گروهی به طرز نگران‌کننده‌ای آینده‌ای را می‌دهد که در آن بازیگرانی که با دیدگاه دهلی نو همسو نیستند، نظم منطقه‌ای را شکل می‌دهند. در نهایت، شرمساری واقعی برای هند این نیست که پاکستان فعال‌تر شده است. این است که منیر در پایتخت‌هایی مورد استقبال قرار می‌گیرد که زمانی مودی انتظار داشت آن پایتخت‌ها با او مشورت کنند. رهبر هند باید با این واقعیت ناخوشایند کنار بیاید: پاکستان هنوز هست و در عین حال به صورت ناگهانی برای قدرتهایی که در این لحظه مهم هستند، مفیدتر شده است.

طنز ماجرا این است که نقش جدید پاکستان، آسیب‌پذیری‌هایش را نفی نمی‌کند. لحظه ۱۹۷۱ گواهی بر اهمیت جغرافیا و محوریت ارتش در کشورداری پاکستان است. مشکل هند این است، فکر می‌کرد همسایه هسته‌ای اما شکننده‌اش را می‌توان مدیریت کرد و منزوی کرد. پاکستان، با وجود تمام نقاط ضعفش، نشان داده که می‌توان در بحبوحه درگیری، ارتباط ایجاد کرد. برای مودی، این باید یک زنگ خطر برای بازنگری در اصول سیاست خارجی‌اش باشد، نه بهانه‌ای برای استفاده از الفاظ تحقیرآمیز علیه پاکستان.

مقصود امروز چین نیست، بلکه اشتی ایالات متحده و ایران است و «تشکیلات نظامی» پاکستان بار دیگر در خط مقدم قرار دارد. با این حال، میانجی‌گری پاکستان بر پایه‌ای شکننده بنا شده است. ظهور دیپلماتیک آن به طور نامتناصبی به یک مرد – یعنی منیر– و همچنین به کاخ سفیدی که به نمایش، دسترسی و سودمندی تاکتیکی پاداش می‌دهد، گره خورده است. پاکستان به این دلیل که نماینده‌ای از قوی با اقتصاد آن مقاوم است، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به سادگی در دسترس است. هر نقشی به عنوان میانجی گر بین قدرت‌های متخاصم، پاکستان را در معرض تلافی، شک و تهمت قرار می‌دهد و این احتمال وجود دارد که از یک طرف به دلیل شکست مذاکرات مقصر شناخته شود یا از طرف دیگر به دلیل بهره‌برداری بیش از حد از دسترسی به مذاکرات مورد انتقاد قرار گیرد.

هرگونه مذاکرات باید به طور غیرمستقیم انجام شود و مقامات پاکستانی بین دو هیات رفت‌وآمد کنند. همان موقعیتی که باعث می‌شود پاکستان در معرض دید قرار گیرد. مشکلات داخلی پاکستان، دیپلماسی این کشور را غیرممکن نمی‌کند، اما اینکه آیا این آسیب‌پذیری‌ها، ابتکار عمل فعلی را بیش از حد پرخطر یا صرفا ناپایدار می‌کند، پرسش اصلی اسلام‌آباد است. اقتصاد پاکستان همچنان شکننده است، تشکیلات نظامی آن همچنان بر سیاست خارجی تسلط دارد، به گونه‌ای که ظرفیت مقامات غیرنظامی برای مذاکره سریع را محدود می‌کند، و نظام سیاسی اش چندان پایدار نیست که از یک چرخش استراتژیک بلندمدت پشتیبانی کند. این کشور همچنین مرز طولانی با ایران دارد و مصمم است از کشیده شدن به جنگ توسط عربستان سعودی تحت پیمان دفاعی مشترک اخیرشان جلوگیری کند.

#### عکس نوشت



#### کارتون



خبرگزاری مهر در گزارشی نوشته اقدام MBC برای پخش آنلاین «سفرات ۸۷» اثر مستقیم جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران و حملات لابی‌جویانه ایران

به همدستان آنها در منطقه خلیج فارس است که باعث قطع روابط دیپلماتیک عربستان و ایران شده است.

#### منسخره ایرانی تئاترهای معروف لندن

نمایش موزیکال «الیسور تونیست» به

کارگردانی حسین پارسایی میزبان بیش از ۷۰هزار مخاطب شد تا یک بار دیگر این نکته به اثبات برسد که مردم حتی در شرایط سخت اقتصادی هم حاضرند به تماشای یک اثر موفق بنشینند. اجرای چندبازه این نمایش در ایران یس‌ادآور اجراهای تاریخی چند نمایش مشهور در دنیاست.

«تله‌موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی که به‌عنوان پراجراترین نمایش‌نامه جهان شناخته می‌شود، بیش از ۷۰ سال است که هر شب در لندن روی صحنه می‌رود و از آن به عنوان یکی از جاذبه‌های مهم لندن نام می‌برند و گردشگران سعی می‌کنند تا آنجا که مقدور است بار سال ۱۹۵۲ در وست‌اند لندن روی صحنه رفت و تا زمانی که کوئید تئاترها را به تعطیلی کشاند، بی‌وقفه در حال اجرا بود و بعد از دوران کرونا دوباره اجراهایش را شروع کرد.

نمایش موزیکال «بینوایان» نوشته ویکتور هوگو هم از آن دسته کارهایی است که چند دهه است در حال اجراست و همچنان مخاطبان زیادی را جذب می‌کند. این نمایش قرار است چهلمین سنال اجرایش در «وست اند» را در روزهای آینده جشن بگیرد.

همچنین نمایش موزیکال «شیخ ایرا» سال ۱۹۸۶ در وست‌اند روی صحنه رفت و در سال ۱۹۸۸ در تئاتر برادوی به اجرا درآمد و رکورد طولانی‌ترین زمان روی صحنه بودن در برادوی را به خود اختصاص داده است.

حالا بعد از سال‌ها به نظر می‌رسد در ایران هم اتفاقات فرهنگی مهمی افتاده که می‌تواند چنین وضعیتی را در تئاتر به وجود بیاورد و مثلا شهرهای گردشگرپذیر هم هویت فرهنگی خاص پیدا کنند. هرچند این مساله به سازوکار و تبلیغ قابل توجه نیاز دارد اما امکان وقوع آن دور از تصور نیست. در سال‌های اخیر با توسعه سالن‌های خصوصی در ایران تئاتر دوران جدیدی را آغاز کرد و روزانه آثار زیادی در تهران و سایر شهرستان‌ها روی صحنه می‌روند که در این میان برخی با اقبال روبه‌رو می‌شوند و برخی نیز در گیشه شکست می‌خورند.

در این وضعیت برخی نمایش‌ها در سالن‌های مختلف اجرا شده‌اند و هر بار هم توانسته‌اند در جذب مخاطب موفق عمل کنند. «لیور تونیست» یکی از همان‌هاست و شاید بتوان از آن به عنوان نسخه ایرانی نمایش‌هایی همچون «شیخ ایرا» و «بینوایان» یاد کرد.

رمان مطرح چارلز دیکنز از زمان نگارش تاکنون بارها و بارها مرجع اقتباس آثار نمایشی بوده است. از زمانی که سینما وجود خارجی نداشت در نمایش‌ها همیشه پای ثابت قصه‌های محبوب بود تا بعدتر که سینما آمد و در این زمینه مردم هم بارها ساخته شد و مسورد اقبال تماشاگران قرار گرفت. اتفاق جالب، اما زمانی رخ داد که دوازده سال پس از «لیور تونیست» مشهور به کارگردانی دیوید لین، آهنگساز شهیر انگلیسی که دستی بر قلم داشت تصمیم گرفت نسخه موزیکالی از اثر جودانده دیکنز آماده کند و به این ترتیب لیونل بارت در سال ۱۹۲۰ نسخه موزیکال «لیور تونیست» را ارائه داد و نام آن را «لیوره» گذاشت. هشت سال پس از انتشار این اثر کارول رید بر اساس همین نسخه و با همین نام فیلمی موزیکال شناخت که دز آنسکاز آن‌نمقال هم مورد توجه قرار گرفت.

حسین پارسایی برای اولین تجربه موزیکال‌اش در تئاتر همین فیلم «لیوره» را منبع قرار داد و به این ترتیب برگردان موزیکال بارت از شاهکار دیکنز با بازی ستاره‌ها را با تمرین‌های طولانی در سال ۱۳۹۶ روی سن تالار وحدت برد که با اقبال گسترده روبه‌رو شد و سپس چند بار دیگر هم در این سال‌ها به اجرا درآمد.

حالا این نمایش با بازتولید کامل و بازطراحی نوین بخش‌های مختلف و دراماتورژی محمدرضا کوهستانی روی صحنه رفته و هزاران مخاطب را ظرف چند روز برای تماشا راهی باشگاه انقلاب کرده است. گروه تولید و کارگردانی این اثر اعلام کرده‌اند این نسخه درحالی که وفادار به متن اصلی و ساختار نمایشی سال ۱۳۹۶ باقی ماند، ولی در نمایش‌نامه و چند ترانه با تأکید بر دغدغه‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و واقعیت‌های تلخ زندگی انسان تغییرات جزئی داشته و از نظر طراحی‌های هنری تفاوت‌های چشم‌گیری با اجرای پیشین دارد.

براساس گزارش‌ها این نمایش در هفته‌های اخیر روزانه میزبان حدود ۶هزار مخاطب است و به دلیل استقبال مخاطبان برای روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ تمدید هم شده است. آنچه در این نمایش مورد استقبال قرار گرفته بداهه‌گویی‌های هوتن شکبیا در نقش شخصیت «فاگین» است و انتشار بخشی از این ویدئوها در فضای مجازی موج بزرگی راه انداخته است. این بازیگر در بخش‌هایی از نمایش با تذکر ممنوع بودن تصویربرداری از نمایش، به صورتی طنزآمیز با برخی تماشاگران معاشرت‌هایی دارد که به شکلی عجیب، در فضای مجازی پربیننده شده است.

هوتن شکبیا، بهنوش طباطبایی، سانیپال شومون، امیرکاوه آهنین‌جان، با حضور سیامک انصاری و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند.

#### >

#### تجمع شبانه مردم در حمایت از مدافعان وطن – تهران

#### >

#### تجمع کادر سلامت در محکومیت حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی